

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۸ فروردین ۱۳۶۷ برابر ۲۸ مارس ۱۹۸۸

بیم ۶۰ ریال سال پنجم شماره ۲۰۰

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

موشک باران شهرها، جنایت وحشتناک رژیم

تنه راه جلوگیری از جنایت های جنگی، آتش بس بدون قید و شرط و اجرای قطعنامه ۵۹۸ است

چند هزار نفر از مردم به شدت مجروح و معلول شده اند. تا این ساعات که شهر آن هدف ۱۵ موشک قرار گرفته است، دهها واحد مسکونی و خدماتی واقع در مناطق پرجمعیت شهر ویران شده، چند هزار نفر زیر آوار مانده و یا بر اثر موج انفجار موشک ها، دچار سوختگی و زخمی شده اند. فکر آبی فراغده ای بر تهران و دیگر شهرهای کشور حاکم شده است. بقیه در صفحه ۲

مومنان! دور وحشتناک دیگری از جنگ شهرها، کشور را به خاک و خون کشانده است. خمینی و صدام، نهایتاً هر بار که سابقه جنون و جنایت را از سر می گیرند، تعداد بیشتر، اژم دم بی دفاع و کشور را کشتار می کنند. طی سه روز گذشته، صدها جانفرواده هم وطن دیگر، ما، عزیزانمان را از دست داده اند و



تیز اوج گرفت و به کشتار جمعی در حلبچه منجر شد. جنگ، جنگ است چه در فرازش و چه در فروزش. چه در حمله به مناطق مسکونی تجلی باید و چه در خوریزی در جبهه ها. چه حادثه باشد و چه آرام. مطلق جنگ، خوریزی است. عفریت جنگ اگر دم آرام می گیرد برای آن است که مترصد خوریزی و سیعتری است، آماده می شود تا به یکباره صدها هزاران نفر را در کام خود فروبرد. بقیه در صفحه ۲

پیش از آغاز سال، وقفه در روزه ای در جنگ شهرها پدید آمد. این بیرش مطرح شد که آیا این دور، دور آخر جنگ شهرها بود؟ آیا جنگ باز جریحه جفاکارانه می کشی را خواهد پیمود؟ بیرش در افمان می چرخید که جنگ باو منطق خود را به رخ کشید، خوریزی، خوریزی های بیشتر و بیشتر. معوز شاید چهاره های دور پیشین جنگ شهرها از زیر آوارها بیرون کشیده نشده بودند که دور تازه ای آغاز شد. جنگ در جبهه ها

خمینی عید مردم را عزا کرد

اوج تازه جنایتکاری های دور رژیم خمینی و صدام حسین

خمینی به راستی عید مردم را عزا کرد. بر لب ل جنگ کوفت. از جای امن با سعیت تمام اعلام کرد که ما از فرود آمدن موشکها خندان می شویم و باز زمینه ساز خوریزی های وسیعی کشت که در تاریخچه شکست بار جنگ کم تقارند.

روزهای آغازین سال شاهد اوج گیری جنایتکاری های دو رژیم خمینی و صدام حسین بود. جنایتکاری هایی که همچنان ادامه دارد. روزی نبود و روزی نیست که در چندین شهر بمب و موشک فرو نبارد و در جبهه ها از کشته پشته ساخته نشود.



اینهاست تهران است
و اینجا
بغداد. دو صفحه
از جنایتکاری های
دور رژیم

انتشار دویستمین شماره نشریه اکثریت

نشریه ای را که در دست دارید، دویستمین شماره نشریه اکثریت است و با انتشار آن پنجمین سال انتشار "اکثریت" آغاز می شود. شماره نخست نشریه اکثریت در روزهای آغازین سال ۶۳ منتشر گردید و در سال بعد "اکثریت" با عنوان نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج کشور ایفای وظایف خود را بر عهده گرفت. طی همه این مدت کوشش ما در این بوده است که "اکثریت" بتواند برآورنده نیازها، ایراتیان مبارز و میهن پرست مقیم خارج کشور، در زمینه آگاهی مستمر از تحولات سیاسی و مبارزاتی در میهن ما و نیز جهان، باشد و بتواند به وظایف یک نشریه انقلابی عمل کند. اکنون که در پایان چهار سال به گذشته ای که با فراز و نشیب طی شده است، نظر می افکنیم، امید و آرزوی ما اینست که دوری نیک خوانندگان "اکثریت" را با خود داشته باشیم.

نگاهی بر تحولات و رخدادهای اقتصادی کشور در سال ۶۶

حاکمیت بحران بر اقتصاد کشور

و معینی است، اما حاصلش بهیچ روم محدود به این ویا آن عرصه اقتصاد کشور نبوده، بلکه چون بحرانی "تنامیت گرا" هیچ عرصه و کراهه ای او فعل و انفعالات اقتصادی را از "حاصل" ویرانگر خود بی نصیب نمی نهد. سیاستهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی بطور عام و سیاستهای پولی و مالی دولت بطور خاص، مختصات اقتصاد جنگی که نه، مختصات "اقتصاد جنگ زده"، علل و زمینه های بحرانی ساختی و عوامل دخیل بین المللی بر بستر اقتصاد تک پایه کشور... گرچه توضیح دهده شد وحدت بحران و خود بحران اقتصادی کشور هستند، ولی عواقب بحران اقتصادی، تماماً به اقتصاد کشور و همچنین به نوده های مردم منتقل شده و به استثنای محدودی که از پرورای بحران اقتصادی، خود پرور می شود، نوده های مردم سیه روی و فقر و فلاکت به آستانه زندگی محقرشان می کشند. در زیر سایه حکومت فقها، "توزیع سرانه بقیه در صفحه ۱۰

تحولات و رخدادهای اقتصادی کشور در سال ۶۶، نیز بسان سالهای پیش از آن به بحران حاد و مزمن اقتصادی زنجیر شده بود و جز با در نظر گرفتن این بحران نمیتوان شه به مرور وقایع اقتصادی در سال گذشته پرداخت و نه سیاستهای اقتصادی رژیم را مورد ارزیابی قرار داد. از این بابت دامنه سخن نمیتواند تنها به بحران اقتصادی محدود بماند، چرا که این بحران موضوع و حاصل سال ۶۶ نیست و باید به حدت این بحران توجه داشت. بحران اقتصادی حاکم بر کشور، بحرانی حاد است وحدت این بحران دم افزون است. بهر این سخن از بحران حاد اقتصادی و شیرازه گسیختگی اقتصاد کشور است، سخن از بحران حاد، است که تنها بر اقتصاد کشور سایه نیافکنده است، بل بران حکومت می کشد و تمامی عرصه های اقتصادی کشور را در چنگیره خود گرفته است. بحران اقتصادی کشور شه بحرانی ساده و تک عرصه ای، که بحرانی جامه و مرکب است و گرچه این بحران حاد اقتصادی، خود محصول فاکتورهای مشخص

فراقراز جنایت:

بمباران شیمیایی حلبچه

هر دور رژیم در این تبهکاری سپیمند

صدام و شاید هزارها نفر بر اثر انتشار گازوسی، که ترکیبی بود از گاز خردل و اسید آبی (سیاهید) درگذشتند. دیوارهای قطور خیمه نمی توانستند در برابر این گاز حکم حفاظت داشته باشند. در شهر سردابه ای را دیدیم که به قربانگاه یک خانواده تبدیل شده بود. گازوسی، که از هوا فکین تر است در سردابه رسوخ کرده و آفاخی را که در آنجا پناه گرفته بودند، کشته بود.

این فحشتین باری نیست که رژیم عراق به استفاده از گازهای شیمیایی متوسل می شود. رژیم خمینی شیوه چوبین جنایتهایی را مرتکب شده است و در تدارک آن است که در این زمینه او رژیم صدام حسین عقب نماند.

این تبهکاری های مولفک ذاتی مطلق این جنگ ارتجاعی است. جمهوری اسلامی اکفون بر کشتگان حلبچه و نفیو غرمال، و نفیو مرهوان و سردشت اشک تساح می ریود. رژیم آشکارا خرسفد است و این می رسافد که چه سان در این جنایتهایی ها سهیم است.

در یک آن ۵۰۰۰ کشته. این است جنگ ارتجاعی ایران و عراق! این است جنگ دو آدم کش! تا جنگ هست با رژیم صدامی دیگر آفریده خواهد شد. فاجعه حلبچه با هم تکرار خواهد گشت. سردمدار و نمیدر این فوجیه خمینی است. نفک بر او صدام حسین فرمان به قتل عام حلبچه داد. فقرت بر او تاریخ خمینی و صدام حسین رادر گور مشترکی دهن خواهد کرد.

تولید سلاحهای شیمیایی در ایران با کمک یک شرکت آلمانی

درصد است در این زمینه مستقیماً از رژیم بغداد تقاید کفد. در عراق نفیو کارخانه تولید مواد شیمیایی کشاورزی واقع در ۶۰ کیلومتری شمال غربی بغداد که آنهم با کمک یک شرکت آلمانی تاسیس شده به تولید سلاحهای شیمیایی اختصاص یافته است. اکفون افکار عمومی در آلمان فدرال در رابطه با قرارداد شرکت لورگی با رژیم خمینی ابرائو فکرافی می کفد. باید با افشاکری وسیع در این زمینه و اشاره به فاجعه حلبچه جلوی احداث کارخانه تولید سلاحهای شیمیایی در ایران را گرفت.

در هفته گذشته خبر فکارد و فقامه واشیفکتن بست شهر حلبچه را این گونه توصیف کرد: "در خیابانهای شهر هفوز دهانه پیش از صدون و کودک و پهر مرد به چشم می خورد. در بدن و خمی اندرند. عده ای آرام بر روی زمین آرمیده اند و در چهره عده ای دیگر، حالت احتضار هویدا است. در کنار آنها اجساد حیوانات نفیو مشاهده می شود."

شهر حلبچه قربانی جنایتهای مشترک دور رژیم خمینی و صدام حسین است. این یک به شهر حمله برده و آن دیگری بر آن بمب شیمیایی افکفده است. جنایت در ساعت در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ اسفند اتفاق افتاده است. گفته می شود که پس از این که شهر به اشغال فیروهای جمهوری اسلامی درآمد یک هواپیمای عراقی این جنایت را آفرید. عراق مفکر فحشیه است و نفیو مدعی است که شهر کاملاً خالی از سکنه بوده است. اما جفا فوه ها جز این می گویند. آنهم فیه یک جفا فوه ده در جفا فوه صدام جفا فوه، جفا فوه جفا فوه. جمهوری اسلامی تعداد قربانیان جنایات را ۵۰۰۰ نفر کشته و ۵۰۰۰ زخمی ذکر می کفد. بی گمان رفما او اینهم اگر درشت تر بودفد خمینی خوشحالتی می شد، همانگونه که صدام.

به نوشته خبر فکارد واشیفکتن بست، جنایت این گونه اتفاق افتاد: "به فاکهان گاز سفید رنگی که به فوردی می فود در خیابانهای شهر بخش شد. اهالی راهی برای فرار فداشتفد.

بقیه از صفحه اول

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

مردم صلح دوست!
در دور جدید جنگ شهرها، علاوه بر بمباران وحشیانه همیشگی، موشک هایی مهیب با برد ۶۰۰-۵۰۰ کیلومتر نیز وارد میدان جنگ و جنون شده است. استفاده از این سلاح خطرناک، فیه تقها در جنگ هشت ساله گذشته سابقه نداشته، بلکه در مقیاس بین المللی نیز بی سابقه است. رژیم جنگ طلب خمینی با ادامه این جنگ تبهکارانه و رژیم صدام با وحشیگری های جنایتکارانه خود، دو کشور ایران و عراق و به ویژه کشور ما را به عرصه آومایش مدرن ترین سلاح های م ک بار تبدیل کرده اند.

این فاجعه مهلک و خونین که مردم کشور را در آستانه نورو به عزای تشافده است، قبل از همه نتیجه امتناع رژیم آتش افروز خمینی از پذیرش بی قید و شرط آتش بس و مخالفت آن با اجرای قوری و کامل قطعنامه ۵۹۸ است. این جنایات مولفک تقها در شرایط ادامه جنگ می تواند اتفاق بیفتد، تا جنگ ادامه دارد، جنایت های بزرگ و بزرگتر، خواهان مسورت، خواهان کسرفت، شکایت رژیم ریاکار خمینی به م ا ج بین المللی به خاطر فرار از مسولیتی است که این رژیم در قبال فاجعه تکان دهنده اخیر دارد. رژیم جنگ افروز خمینی که آشکارا و وقیحات به همه تلاش های صلح خواهانه بشریت صلح دوست معتبر بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، دهن کجی نموده و همه اقدامات مسلولافه را ففد. این جنگ خانمانسوز را رد کرده است، در ادامه جنگ و وقوع جنایت های جنکی، مسولیت درجه اول را بر عهده دارد.

همولمان صلح دوست!
تقها راه واقعی جلوگیری از تکرار فجاجیه دشتناک نظیر بمباران ها و موشک باران ها، قطع بلا در فک جنگ است. راه مقابله با تکرار این فجاجیه، نه تجهیز دو طرف درگیر جنگ به سلاح های مدرن و مدرن تر، و نه عمل مقابله به مثل است. بیرون رفت از وضع غمبار موجود، امکان پذیر است. رژیم خمینی است که با ادامه جنگ، وض را به بن بست کشانده، هر رژیم به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت کردن شد، دیتر دلیلی برای ادامه جنگ و بهانه ای برای کشتارهای بزرگ و وحشیانه مردم میهن ما باقی نخواهد ماند. این رژیم جنایتکار خمینی است که باید به خواست صلح مردم ایران و بشریت صلح دوست تن در دهد. باید با تشدید مبارزه در راه صلح، آتش این جنگ خانمانسوز را خاموش کرد. با همه شیر و باید خواستار برقراری آتش بس بی قید و شرط و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شد. همدردی واقعی با خانواده های داغدار فاجعه اخیر، و تقها راه جلوگیری از تکرار فجاجیه تکان دهنده جنگ، تشدید مبارزه علیه رژیم جنگ افروز خمینی و پیکار در راه صلح است.

نفک و فقرت بر جنایتکاران جنکی!

زنده باد صلح، م ک بر خمینی جنگ افروز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۲ اسفند ۱۳۶۶

اوج تازه جنایتکاری های

بقیه از صفحه اول

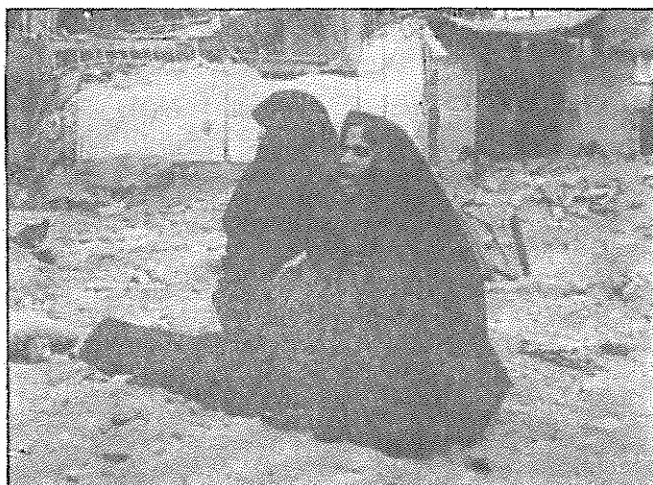
درگیر رادر یک منطق بیخیمی با یکدیگر در پیوند قرار می دهد. از این منطق ژنرال عراقی هانفکوفه تبعیت می کند نه سر لشکر ایرانی. همه یکی می شوند تا بخون بریوند. خمینی در بغداد فرمان قتل عام اهالی بی دفاع ایران را می دهد و صدام حسین در تهران فرمانده شلیک موشک به سوی بغداد می شود. این است منطق جنگ، این است همدستی دور رژیم در کشتار. در این میان سلسله جنایان، بارگاه چماران است. هر چه بیشتر فقرت خود را فثار خمینی و رژیم پلیدش کفیم. با شعار م ک بر جنگ، ففده باد صلح بردمان خمینی هشت کوبیم در هر کجا که هستیم هم میهنان خود و افکار عمومی جهانی را برای مبارزه با جنگ و رژیم خون آشام خمینی بسیج کنیم.

تا جنگ هست، چرخه فاجعه بار همیشگی تکرار می شود: فتح های کوچک با قربانیان بزرگ، حمله ای در جبهه ها، جنگ شهرها و با فوجیه ها و با فوجیه ها، می کشند و وعده کشتارهای بیشتر می دهند.

ماشین جنگی خون می خواهد، بدان فرمان می دهند تا جان بستاند، حال چه با بمب، چه با آتش توپخانه، چه با تانک، چه با موشک و چه با بمب شیمیایی. و تا زمانی که جنگ در جریان است همین روز و همین روزگار برقرار است.

رژیم خمینی خواهان جنگ است. جنگ آدم کشی است در یک مقیاس فاجعه بار. جنگ دو طرف

روزشمار خونریزی و جنایت



جمعه ۲۸ اسفند (۸ مارس)

جمهوری اسلامی اعلام کرد شهر نوسود را از تصرف نیروهای عراقی خارج ساخته است.

جمهوری اسلامی شهرهای موصل و اربیل را مورد حمله هوایی و شهرهای و بصره و سامرا را مورد حمله توپخانه‌ای قرار داد. عراق ۷ موشک به سوی تهران پرتاب کرد. صدام حسین در مصاحبه با روزنامه مصری الاهرام اعلام کرد عراق برد موشکهای "الحسین" را از ۶۵۰ کیلومتر به ۸۵۰ کیلومتر رسانده است.

قایق‌های توپدار جمهوری اسلامی به یک کشتی پانامایی حامل گاز مایه و یک نفتکش نروژی حمله بردند.

شنبه ۲۹ اسفند (۹ مارس)

عراق اعلام کرد که در این روز ۲۷۰ مورد پرواز جنگی علیه شهرهای ایران و مراکز نظامی صورت گرفته است. در این روز یک موشک دیگر از سوی سپاه پاسداران خمینی به سوی بغداد شلیک شد. خبرگزاری‌ها در این روز تعداد موشکهای پرتاب شده از سوی طرفین از روز ۲۹ فوریه تا ۱۸ مارس را جمعاً ۲۰۰ فروند اعلام کردند.

در این روز و در خلیج فارس شامد چندین حمله هوایی از سوی عراق بود. خارک شدیداً بمباران شد. دو نفتکش ایرانی به شدت آسیب دیدند.

یکشنبه ۳۰ اسفند (۲۰ مارس). - روز تحویل سال نو

تمام شهرهای در تیررس موشکها و هواپیماهای عراقی غرق در شگراف و اضطراب بودند. عید رفتن عزای خود گرفته بود. همه در این روز انتظار بیشترین حمله را داشتند. قبل از تحویل سال بین ساعت ۸ و ۹، شهرهای دوقول و باختران مورد هدف قرار گرفتند. جمهوری اسلامی همزمان با حمله به این دو شهر، ۱۱ موشک به سوی بصره پرتاب کرد. در این روز بغداد نیز مورد حمله موشکی قرار گرفت.

دوشنبه اول فروردین (۲۱ مارس)

جمهوری اسلامی اعلام کرد که حملات هوایی عراق در این روز ۲۵ کشته به جانها ده است. همدان و بروجرد از جمله شهرهایی بودند که مورد حمله قرار گرفتند. در این روز خبرگزاری‌های خارجی اعلام کردند که در سه هفته گذشته بمباران رسمی

دولت ایران ۶۰۰ نفر ایرانی در جنگ تیر ما کشته شده‌اند.

سه شنبه ۲ فروردین (۲۲ مارس)

این روز در جمهوری اسلامی "روز پاسدار" بود. به همین مناسبت تبلیغات جنگی رژیم اوچ گرفت. حمله موشکی به تهران بمباران رسمی رژیم ۵ کشته بر جانها ده. این سی و پنجمین موشک در عرض ۹ روز پیش از این بود.

در این روز خبرهای متعددی در مورد "جنگ نفتکش‌ها" انتشار یافت. حمله قایق‌های رومی جمهوری اسلامی به یک کشتی نروژی دارای پرچم استانبول، یک نفتکش یونانی، یک نفتکش ژاپنی دارای پرچم لیبیا و یک کشتی تجاری اسپانیایی از جمله این خبرها بودند. در جریان حملات دریایی تعداد کثیری ملوان کشته و زخمی شدند.

جمهوری اسلامی اعلام کرد که چهار روستا از توابع مریان و دو روستا از توابع سردشت مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند.

بهار شنبه ۳ فروردین (۲۳ مارس)

در ساعت ۷ و ۵۵ دقیقه بمباراد یک موشک به سوی بغداد شلیک شد.

قایق‌های جنگی جمهوری اسلامی یک کشتی قبرسی را به آتش کشیدند.

پنجشنبه ۴ فروردین (۲۴ مارس)

جمهوری اسلامی اعلام کرد که در حمله پنجم عملیات والفجر ۱۰ را آغاز کرده است. رژیم مدعی شد که در جریان این عملیات ۴۵۰۰ سرباز عراقی را اسیر کرده است.

در این روز ۶ موشک به تهران

اصابت کرد بمباران خبرگزاری جمهوری اسلامی برابر اصابت این موشکها به مناطق مسکونی تهران ۱۱ نفر کشته شدند. جمهوری اسلامی نیز دوموشک به سوی بغداد پرتاب کرد. بصره و مناطق اطراف آن نیز زیر آتش توپخانه قرار داشتند.

جمعه ۵ فروردین (۲۵ مارس)

در شب جمعه ۵ فروردین، بصره به شدت زیر آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشت. در روز جمعه به سوی این شهر ۶ موشک دیگر پرتاب شد. خائفین نیز مورد اصابت موشک قرار گرفت. نفتخانه، مقدلی و علی غربی از دیگر شهرهای مورد حمله جمهوری اسلامی بودند. در این روز شوشتر، میاندوآب، بروجرد، همدان و باختران مورد حمله عراق قرار گرفتند. برابر بمباران این شهر چند صد نفر کشته شدند.

عراق به دو نفتکش در خلیج فارس حمله برد.

در این روز ترکیه به خاطر بمباران مناطق مرزی این کشور، به جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

جمهوری اسلامی در این روز آتش توپخانه خود را بر روی سد دربندی‌خان در شمال عراق متمرکز کرد. در صورت ویران شدن این سد، سیل مناطق مسکونی اطراف آن را در کام خود فرو خواهد برد. برق مناطق شمالی عراق نیز قطع خواهد شد.

شنبه ۶ فروردین (۲۶ مارس)

عراق در ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر دوموشک به فاصله یک دقیقه به سوی تهران شلیک کرد. شهر ایلام نیز به شدت بمباران شد. در این روز شهرهای شرقی عراق نیز آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند.

خاور بروجرد و کوئینا دبیر کل سازمان ملل کار بست بمبهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق را به شدت محکوم کرد و تأکید نمود که عراق در جنگ از این نوع بمبها استفاده می‌کند. خاور بروجرد و کوئینا همچنین اعلام کرد که به زودی یک هیات دو نفره از سوی سازمان ملل برای تحقیق در این مورد به ایران فرستاده خواهد شد.

در این روز، روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق نوشت که اگر جمهوری اسلامی پیشه‌دار آتش بس را تبدیل به عراق به موشک باران تهران و دیگر شهرهای ایران ادامه خواهد داد.

یکشنبه ۷ فروردین (۲۷ مارس)

حملات موشکی به سوی مراکز و شهرهای مهم دو کشور ادامه یافت. ساعت ۸ بمباراد تهران و اصفهان هدف اصابت ۴ موشک عراقی قرار گرفتند. لحظاتی پس از حملات موشکی عراق، چهار موشک توسط واحدهای موشکی پاسداران به سوی بغداد و بصره شلیک شد. شهرهای علی‌قربی، نفتخانه، مقدلی، و بصره، بصره، خائفین و الاماره گلوله باران شدند.

قربانیان چقايت این روز هنوز انتشار نیافته است.



صحنه‌ای از عملیات والفجر

اجلاس، با ارسال نامه‌ای به شریف‌الدین بیرزاده دبیر کل کنفرانس اسلامی به این بهانه که جمهوری اسلامی مخالف برگزاری اجلاس در امان است، از شرکت در آن خودداری ورزید و از بیرزاده خواست که کنفرانس تصمیم مساعدی پیرامون جنگ ایران و عراق اتخاذ کند.

روز چهارشنبه محمد علی تسخیری، مدیر کل روابط بین‌المللی وزارت ارشاد اسلامی که به جای ولایتی در کنفرانس امان شرکت کرده بود، در اعتراض به سایر مورد بحث در اجلاس از شرکت در جلسات بعدی اجلاس خودداری کرد و روز دوشنبه به تهران بازگشت. انتقاد شدید اعضای کنفرانس نسبت به ادامه جنگ و نقش ایران در بلوای خونین مکه، اعتراض تهران را برافکنجت و دولت به هیات نمایندگی خود دستور داد که اردن را ترک کنند. در اجلاس، جمهوری اسلامی به بنوا آفرینی در مکه متمم شد و از سوی مصر یک قطعنامه پیشنهادی مبنی بر مسکومیت رژیم تهران در جنگ اخیر به تصویب ابراهیم شد.

اجلاس قبلی وزرای کشورهای اسلامی در سال ۸۷ در کویت برگزار شد. در این اجلاس شرکت کنندگان متعهد شدند در صورت نفوذ جمهوری اسلامی به خاک عراق، از بغداد حمایت کنند.

تأسیس مدارس خصوصی تصویب شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آخرین روزهای نمایندگی‌شان لایحه تأسیس مدارس غیر انتفاعی را از تصویب گذراندند.

شدت مورد انتقاد از دادند. در بخشی از این نامه آمده است: "با توجه به مصاحبه‌هایی که اخیراً از سوی وزیر کشور و معاونین ایشان در ارتباط با انتخابات به عمل آمده و از رسانه‌های گروهی پخش گردیده و پخش می‌شود رعایت حدود مرزهای و نثار در امر انتخابات نمی‌گردد و آشکارا خیلی از قوانین و موازین زیر پا گذاشته می‌شود. خواهشمندیم به وزیر محترم کشور تذکر دهید در مصاحبه‌ها و به‌شماره‌ها رعایت نص صریح قانون انتخابات را نموده و در امور مربوط به نظارت که منحصر به شورای نگهبان می‌باشد دخالت ننمایند."

یک روز پس از انتشار نامه نمایندگان، جامعه‌ای طی مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت، ضمن تأکید بر عدم "تضعیف نقش شورای نگهبان"، گفت: نقش وزارت کشور اجرا است و نقش شورای نگهبان نظارت.

شورای نگهبان پیش از انحلال هیات اجرایی حوزه انتخابیه تهران، صلاحیت ۲۰ تن دیگر از نمایندگان وزارت کشور را رد کرده بود.

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی،

کنفرانس اسلامی را ترک کرد

به دستور دولت، هیات نمایندگی جمهوری اسلامی چهارشنبه هفته گذشته کنفرانس جهانی کشورهای اسلامی را پیش از پایان اجلاس ترک کرد. این کنفرانس با شرکت همه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در امان، پایتخت اردن برگزار شد. ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، پیش از برگزاری

از سوی شورای نگهبان هیئت اجرایی حوزه انتخابیه تهران غیرقانونی اعلام شد

در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، از سوی هیات نظارت بر انتخابات، هیات اجرایی تهران که منصوب وزارت کشور بود، توسط شورای نگهبان منحل و فاقد اعتبار قانونی اعلام شد.

روز یکشنبه ۲۲ اسفند، ۴ روز پس از آغاز ثبت نام کاندیداهای نمایندگی مجلس، روابط عمومی هیات نظارت شورای نگهبان بر انتخابات با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد نظر به اینکه در انتخابات اعضای هیات اجرایی تهران مقاد قانون انتخابات رعایت نگردیده است، علی‌هذا این هیات فاقد اعتبار قانونی می‌باشد.

"بخش سیاسی روزنامه رسالت" در توضیح پیرامون تصمیم شورای نگهبان برای انحلال هیات اجرایی وزارت کشور در حوزه انتخابیه تهران، با استناد به اصلاحیه ماده ۲۳ و ۲۴ قانون انتخابات که اخیراً در مجلس به تصویب رسیده است، نوشت: "انتخابات هیات اجرایی باید با حضور و تأیید هیات نظارت شورای نگهبان باشد، لذا چون این انتخابات بدون حضور و تأیید هیات نظارت شورای نگهبان بوده است، با قانون انتخابات مغایر است." هم‌زمان با صدور اطلاعیه هیات نظارت شورای نگهبان، ۲۱ تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، اقدامات وزیر کشور را به

لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ با ۱۷۰ میلیارد ریال کسری تصویب شد

سخنار یکی دیگر از نمایندگان پیرامون لایحه بودجه سال ۶۷ حاکی از آن است که در سال آتی درآمد سه اتم و درآمد ملی بازمه پیرشولی خود ادامه خواهد داد و ادامه فقر و رکود اقتصاد، گسترش خواهد یافت. بنا به توضیحات نماینده مذکور در فاصله سالها ۶۴ تا ۶۶ درآمد سه اتم به ترتیب از ۶۸ هزار ریال به ۵۸ و ۵۴ هزار ریال در سال جاری کاهش یافته است. یعنی ماهانه ۴۵۰ تومان. همچنین با تصویب بودجه دولت موسوم به ۶۷، درآمد ملی و حجم تولید کشور رانی کاهش خواهد یافت. میزان کاهش در بخش صنعت و معدن ۱۰ درصد، برق، گاز و آب ۲/۵ درصد و در بخش ساختمان ۵ درصد خواهد بود. عدم تقاب تولید و درآمد ملی و رشد نقدینگی - دوهزار میلیارد ریال - بیکاری و تورمی بالای ۲۰ تا ۲۵ درصد را که فشار آن بر مردم و معین جامعه است، تحمیل خواهد کرد.

نماینده دیگر با انتقاد از مدافعین بودجه دولت موسوم به وقف کسری در این بودجه گفت: "اگر ما همه کسری‌های بودجه را روم، هم بریزیم به اعتقاد کارشناسان چیه؟ بالاتر از دوهزار میلیارد ریال ما کسری بودجه داریم ولی اگر خوش بینانه بآن برخورد کنیم چیزی حدود دوهزار میلیارد ریال ما کسری بودجه داریم مگر شما تمام بودجه‌تان چقدر هست که نزدیک به دوهزار میلیارد ریال بخواند کسری بودجه داشته باشد. ما تمام بودجه‌مان به چهارهزار نمی‌رسد چقدر وسیه روشنفرد و هشتاد و یک میلیارد ریال است بعد قریب به نصف این بودجه بفاست استخر اش بشود."

ریال کسری خواهد داشت. وی گفت از مبالغ کل پیشنهاد دولت و مصوب کمیسیون مجلس، ۱۶۴ میلیارد ریال مدیون به مالیاتها، ۱۴۰ میلیارد ریال درآمد پیش‌بینی شده برای نفت، ۵۵۰ میلیارد ریال از ردیف مدیون به درآمد فرآورده‌ها و صادرات مستقیم و ۲۵۰ میلیارد ریال مدیون به بولبه ردیف سایر درآمدها تأمین نخواهد شد و اضافی است.

و، در مورد علت عدم تأمین درآمدها توضیح داد که تأمین همه درآمدها، فوق متکی به ارز است و وضع مالی دولت در سال ۶۶ بیانگر آن است که سال آتی بهتر از سال گذشته نخواهد بود. حایر زاده در ادامه سخنان خود افزود: "حال که اصلاحیه بودجه سال ۶۶ آمده و ۲۵ میلیارد ریال از عمرانی‌ها کم کرده و وقف بودجه جاری افزایش یافته دیگر این مبلغ مفهوم ندارد و بیش از ۷۰ میلیارد ریال حاصل نخواهد شد مفهوم این سخن آن است که چون هزینه‌ها وجود دارد این مبلغ به وقف کسری اضافه خواهد شد. کسری را حدود ۱۷۰۰ میلیارد ریال خواهد رساند." و در بخش پیرامون وقف هزینه‌ها در بودجه حایر زاده اظهار کرد: "بخش هزینه‌ها که ۸۲۱ میلیارد ریال گذاشته شده بیشتر از ۶۵۰ میلیارد ریال عملکرد سال ۶۶ خواهد شد و ۱۷۰ میلیارد ریال آن را مثل اصلاحیه سال ۶۶ اصلاحیه خواهند آورد و معنای اقتصادی این اعداد و ارقام آن است که سال مالی آینده، تورم بالای ۲۰ درصد را خواهد داشت."

لایحه بودجه سال ۶۷، پس از چند هفته بحث و بررسی در مجلس، پنجشنبه هفته آخر اسفند به تصویب نهایی رسید. مبلغ بودجه پیشنهادی دولت از حیث درآمدها و هزینه‌ها ۸/۷۸۷/۰۲۷/۱۴۰/۰۰۰ ریال بود که توسط کمیسیون به ۸/۹۶۲/۱۷۹/۱۹۷/۰۰۰ ریال افزایش یافت.

به‌هنگام شروع بررسی بودجه، منبر کمیسیون مجلس توضیحاتی پیرامون منابع درآمدی دولت و ارقام آن ویرداختن به نمایندگان ارائه داد. و، گفت در لایحه مصوب کمیسیون، بودجه عمومی ۴۲۸۸ میلیارد ریال، درآمدهای عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار ۲۹۸۰ ریال، مالیاتها با تفکیک مالیات اشخاص، و حقیقی و حقوقی ۱۱۶۴ میلیارد ریال، نفت ۸۸۴ میلیارد ریال، استفاده از وام‌ها، داخلی ۱۱۳۷ میلیارد ریال، برگشتی از پرداختها، سال‌ها قبل ۱۱۵ و درآمدهای اختصاصی ۲۶۷ میلیارد ریال، بودجه شرکتها، دولتی و بانکها ۵۰۴۹ میلیارد ریال درآمد ۴۸۴۲ میلیارد ریال، استفاده از وام‌ها، داخلی ۲۰۵ و استفاده از بودجه موسسات انتفاعی وابسته به دولت ۲۴ میلیارد ریال منظور شده که جمع کل ارقام فوق ۹۴۲۲ میلیارد ریال می‌باشد. با کسری ۴۷۰ میلیارد ریال به عنوان اقلی که دوبار منظور شده‌اند، جمع دریافتها بودجه کل کشور ۸۹۶۲ میلیارد ریال می‌شود.

حایر زاده با ارزیابی ارقام فوق و ناتوانی دولت در تأمین منابع درآمدی بودجه نتیجه گرفت که بودجه سال آتی بیش از ۱۷۰ میلیارد

بشکه در روز به ۱۹۷ هزار رسیده بودند، اعلام داشتند از این پس بازاری واردات خود را متناهی خواهند کرد.

از میان دیگر رویدادها

* خبرگزاری رویتر به نقل از سخنگوی اداره گمرک افغانستان اعلام کرد که ۱۶ تن از وابستگان رژیم جمهوری اسلامی که در لندن مشغول معامله اسلحه برای رژیم خمینی بودند دستگیر شدند. پیش بینی شده است که عده زیادی در این زمینه فعالیت دارند و امکان دستگیری آنها می رود. در جریان دستگیری عاملان خرید اسلحه برای رژیم تهران، ۱۲ شرکت موردتجسس قرار گرفتند تا مقابله صدور قناعات بدکی برای هواپیماهای چینی کشف شود. در گزارش رویتر به نام شرکت ها، فروشنده سلاح اشاره ای نشده است. افغانستان نیز از جمله کشورهایی است که علیرغم مخالفت رژیم تهران با آن، صدور اسلحه از سوی آن به ایران همچنان ادامه داشته است.

* بارش باران های شدید و سیل آسالی چند روز گذشته در استان های کشور منجر به لغیان رودخانه ها و جاری شدن سیل شد و در نتیجه صدها راس از احشام روستائیان شهرهای خرم آباد، سوسنگرد، چهارمحال بختیاری، شیرکرد و سیستان تلف شدند. در منطقه سیستان ۴ تن طعمه سیل شدند و عده کثیری مجروح گردیدند. در بندر لنگه نیز یک تن جان خود را از دست داد و ۴۴ تن مجروح شدند.

* بنا به نوشته منابع دولتی از اول سال ۶۷، دستنورد کارگران مشمول قانون کار از ۷۶۰ ریال در روز به ۸۲۰ ریال افزایش مییابد. این مبلغ حتی بخش ناچیزی از فشار مالی قاتی از کرائی و تورم که مستقیماً توسط دولت تشدید می شود را جبران نخواهد کرد. بنا به برآوردها در سال آینده درآمد سرانه ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و تورم بیش از ۵۰ درصد خواهد بود. در چنین شرایطی دولت عوام فریبانه تخفیف ۷۰ ریال به دستنورد کارگران آفیم فقط کارگران مشمول قانون کار افزوده است.

هفته گذشته ۷ کشور تولید کننده نفت غیر عضو اوپک در لندن گرد هم آمدند و بحران موجود در جهان نفت را مورد بررسی قرار دادند. از نتایج این اجلاس هیچ خبری در منابع معتبر منتشر نشد.

تنبیه قیمت پایه برای هر بشکه ۱۸ دلار و سقف تولید تا ۱۸ میلیون بشکه در روز، اگرچه در اجلاس گذشته وزیران نفت در وین مورد تأیید قرار گرفت اما طی این مدت هم قیمت پایه و هم میزان تولید هر یک از اعضا، تحت تأثیر مذاکرات درونی اوپک، کاهش ارزش دلار، نوسانات عرضه و تقاضا، افزایش تولید کشورهای غیر عضو اوپک، جنگ ایران و عراق بی ثبات بوده و چاره اندیشی های هر یک از اعضا نیز به نتیجه مثبتی نرسیده است.

عربستان سعودی بزرگترین تولید کننده عضو اوپک به دنبال اجلاس وین، همزمان با تغییر میزان تولید خود از ۴/۱ میلیون بشکه به ۴/۲ میلیون بشکه در روز اعلام کرد که در بهای نفت تحویلی به شرکای خود در شرکت آمریکایی "آرامکو" تخفیف قابل خواهد شد تا این شرکت ها در بازار جهانی قادر به رقابت باشند. در پی این تصمیم قیمت هر بشکه نفت عربستان با ۴ دلار کمتر از بهای رسمی اوپک در اختیار شرکت های "اکوان"، "موپیل"، "نکواکو" و "شورون" قرار گرفت. شرکت های ژاپنی، شرکت دولتی نفت برزیل (پتروبراس)، بیتیش پترولیوم (ب.پ)، فیث عربستان و امارات متحده را برای اعطای تخفیف شدت فشار قرار دادند. شرکت هلندی داچ - شل تهدید کرد جفانشه ریاض تخفیف دهد، این شرکت از خرید روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت عربستان خودداری خواهد کرد.

امارات متحده اعلام نمود برای جبران کسری ناشی از تفاوت فاحش بهای رسمی اوپک با بازار جهانی، قیمت نفت خود را ۲۱ دلار دیگر کاهش می دهد. ابوالی که ۲۹ درصد نفت ژاپن را تأمین می کند تخفیف های تازه ای به شرکت های ژاپنی اعلا کرد و به این ترتیب رقابت میان ایران و عراق و امارات متحده برای حفظ بازار نفت توجیه تشدید گردید. شرکت های ژاپنی که مدتی پیش میزان خرید خود را از ایران ۲۰ درصد کاهش داده و از ۲۰ هزار

لایحه مدارس غیر انتفاعی در ۲۲ ماده به مجلس ارایه شده بود که طی سه هفته بحث در مجلس، روز ۲۴ اسفند از تصویب نهایی گذشت. طبق ماده سوم این لایحه موسسین باید، الف، مسلمان و عامل به احکام و حسن شهرت باشند، ب، به ولایت فقیه و قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی داشته باشند، ج، به "رژیم گذشته" و "گروه های منحرف و غیرقانونی وابسته نباشند". تأمین مالی موسسه از طریق شهریه و پول دریافتی از اولیا دانش آموزان عملی می شود.

در جریان بحث و تصویب لایحه، نمایندگان مجلس نه پیرامون ارتجاعی بودن طرح، بلکه راههای جلوگیری از نفوذ جناح های رقیب و برخی از مخالفین مجروح و سازمان های انقلابی سخنرانی کردند. هم اکنون آموزش و پرورش در تمام عرصه های نظامی آموزشی (قضای آموزشی، معلم، امکانات آموزشی، کتاب و...) دچار بحران شدید است. بیش از یک میلیون کودک و نوجوان واجب التحملیم از امکانات آموزشی محرومند. در اکثر روستاهای کشور مدرسه راهمایی وجود ندارد و بیش از ۸۰۰ هزار نفر از دانش آموزان راهمایی روستائی هستند. از ۱/۲ میلیون دانش آموز فقط متوسطه فقط حدود یکصد هزار نفرشان در دبیرستان های روستایی به تحصیل مشغول هستند و تویزه بودجه چنان نامساوی است که به وزارت آموزش و پرورش فقط ۶۰ میلیارد ریال اختصاص یافته است. ۲۰ درصد همین مبلغ در تهران هزینه می شود و ۹ میلیون دانش آموز و قریب نیمی از آن باید سال تحصیلی را با ۴۰۰ میلیارد ریال سر آورند.

این وضع در شرایطی بر نظام آموزشی حاکم است که دولت رسماً قانوناً موظف به تأمین امکانات آموزش جهانی بوده است. حال با تأسیس مدارس غیر انتفاعی اندک امکانات موجود به سوی این مدارس جلب شده و فرستادن محرومان و زحمتکشان از راهیابی به مدرسه محروم خواهند شد.

اوپک در آستانه بحران

سیر نزولی بهای نفت خام در بازار جهانی که از هفته دوم اسفند ماه گذشته آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. در آستانه تحویل سال ۶۷، بهای هر بشکه نفت خام نوع فاتح (ژبی) از ۱۲/۴۵ دلار به ۱۲/۵۵ دلار و بهای نفت نوع برنت دریای شمال از ۱۴/۲۰ به ۱۲/۰۹ دلار سقوط کرد و به پایین ترین میزان خود طی یکسال اخیر رسید.

برخی از کشورهای عضو، طی ماه گذشته برای جلوگیری از تشدید دامنه نزول قیمت ها به اقداماتی دست زدند. اکوادور خواستار کاهش ۵ درصد از تولید اوپک شد و الجزایر اعلام کرد که باید برای رفه بحران اجلاس فوق العاده تشکیل شود. وزیر نفت ونزوئلا نیز معتقد است که قیمت پایه از ۱۸ دلار باید به ۱۶ دلار کاهش داده شود تا اوضاع تثبیت گردد. کاهش تولید و پیشنهاد تشکیل اجلاس فوق العاده از سوی ریلواشو لقمان وزیر نفت فیجی به ورئیس کنونی اوپک حداقل تا ماه ژانویه آتی رسیده و در نهایت با اظهار نظر پیرامون علت اصلی سقوط بهای نفت در بازار آواد و تأثیر افزایش تولید کشورهای غیر عضو اوپک بر بازار نفت، تأکید کرد که اوپک با کاهش میزان تولید قادر به تثبیت بهای پایه نخواهد شد.



بهار فرا رسیده و شخم و کشت در روستاهای کشور آغاز شده است.

حضور در تظاهرات حکومتی

بهک وظیفه اداری

رژیم برای پوشاندن افشای دم افروز و ایجاد امکان برای ادامه تبلیغات خود در زمینه در صفحه بودن همیشگی "امت" و "حمایت های مردمی"، بهر وسیله ای متوسل می شود. اجبار کارمندان دولت برای شرکت در شمایش های حکومتی از آن جمله است. متن زیر قسمتی از یک بنشنامه است که شرکت همه کارمندان پست در راهپیمایی روز ۱۲ بهمن را اجباری اعلام کرده است:

"پیرو بخشنامه شماره ۱۰۰/۴/۲۱۵۴۲ - ۱۴/۱۰/۶۶ در رابطه با شرکت کلیه کارمندان در مانور ۱۲ بهمن جاری، حضور کلیه خواهران همکارین در ساعت و روز مقرر جهت شرکت در مانور الزامی می باشد و کلیه خواهران بصورت یک گردان منطقه الیها با مشتمل محکم خود بر دهمان یاوه کویان خواهم گرفت... ساعت و زمان این امر جز وقت اداری و انجام وظیفه می باشد. عدم حضور هر یک از کارکنان غیبت غیر موجه محسوب خواهند شد."

برای حفظ شیشه...

در حرکات جمعی دانش آموزان بویژه در شهر تهران، متداول شده است که دانش آموزان خواست صغی خود را به دنبال جمله "برای حفظ شیشه..." فریاد می کنند. تهدید به شکستن شیشه ها و در مواردی اجرای آن، حدی از تعرضی شدن حرکات جمعی دانش آموزان را باطناب می دهد.

در دبیرستان و مدرسه نظر و دبیرستان راوی تهران که دانش آموزان نسبت به تعویض مدیران قبلی خود اعتراض داشتند، به همین ترتیب واکنش نشان دادند. در بهمن ماه، دانش آموزان مدرسه نظر بخاطر اعتراض به تعویض مدیر از رفتن به کلاس خودداری کردند و با کوبیدن مغظم پا بر روی زمین علیه تعویض مدیر شعار می دادند. دانش آموزان تنها پس از حضور مدیر قبلی و شنیدن اینکه او خود استعفا داده است حاضر به حضور در کلاس شدند. در دبیرستان راوی نیز وضعیت مشابهی پدید آمد.

بخشی از یک نامه

کارگران علیه جنگ

"... طی چندماه گذشته تورم به حد سرسام آوری رسیده است. بطور متوسط رقم تورم ۱۲۰ الی ۱۸۰ درصد است. طرح بن خوابار کارگری و کارمندی بیشتر به یک مسکن بی تاثیر شبیه است. شایعه ای هم شنیدم که قصد دارند طی سال ۶۷ این بن ها را قلع کنند و بجای آن همان مبلغ ۲۰۰۰ ریال را فقدا بپردازند. ستاد هماهنگی جنگ طی پیام ده ماده ای خواهان کمک به رزمندگان شد. یکی از کارکنان بانک ملی... می گفت بدنبال این پیام شعبه های فزودیک باواری دوسه روز اول با کمبود پول مواجه می شدند، چرا که بازاریان محترم اوترس مصادره مخارج رزمندگان کفرستیز حساب میباشان را خالی کردند. مقامات هم فوراً بطرق مختلف اعلام کردند که این کمک ها اجباری نیست ولی از آنجا که زور گفتن به حقوق بگیران آسان است، بفر"

انتقال و اخراج کارگران کارخانه ارج تهران

آنها تصمیم گرفتند که ۱۲۰۰ نفر از کارگران را در چهار نوبت به کارخانجات صفایه نظامی منتقل سازند. در تاریخ ۱۰ دیماه سال ۶۶ حکم انتقال تعداد ۱۲۰۰ نفر از کارگران قسمت های لعاب، ابزار سازی، نقاشی، آبکاری و کنترل را صادر کردند. حکم اخراج ۵۰۰ نفر از کارگران که حاضر به انتقال نبودند بلافاصله صادر شد و به آنها تا آخر وقت اداری، مشاوره مهلت دادند تا به انتقال به صفایه نظامی رضایت دهند. شکایت ۷ تن از این کارگران، در پیچ و خم های اداری وزارت کار عملاً مسکوت گذاشته شده است.

مدیران کارخانه ارج تا پایان سال ۶۶ علاوه بر انتقال ۵۰۰ نفر از کارگران ۴۰۰ نفر از آنان را نیز باو خرید کرده اند.

کارخانه ارج در نزدیکی تهران واقع است و به ساخت وسایل برقی خانگی می پردازد. تا سال ۶۴ این کارخانه در سه شیفت و با ۲۲۰۰ نفر پرسنل دائر بود. بتدریج بر اثر کمبود مواد اولیه سطح تولید آن تفؤل یافت. از سال ۶۵ مسئولین کارخانه به انتقال و اخراج کارگران مبادرت ورزیدند. در آغوش سال ۶۵ قریب ۱۲۰۰ نفر از کارگران به صفایه مهیات سازی منتقل شدند. مسئولین کارخانه تصمیم داشتند ۴ ماه بعد از آن حدود ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران را به صفایه نظامی انتقال دهند که با مخالفت کارگران مواجه شده و نتوانستند قصد خود را تحقق بخشند. مسئولین کارخانه در انتقال اجباری کارگران در دو مورد دیگر نیز با ناکامی روبرو شدند.

در اواخر سال گذشته مجدداً طرح انتقال کارگران در دستور مدیریت کارخانه قرار گرفت.

قتل یک بیکار توسط گارد صنعت نفت

نفت دخالت و اقدام به تیراندازی کرد. یکی از کارگران بیکار بر اثر اصابت گلوله در جا کشته شد. بیکاران اجتماع کنند، خشمگین وارد محوطه شده و با کندن چای کولری وارد ساختمان شده و با کاردی ها درگیر شدند که بر اثر آن دوشرف شدت و خمی شدند.

مدتی پیش جمعی از بیکاران شهر اهواز (عدداً دیپلمه های بیکار) در مقابل ساختمان شرکت نفت اهواز در بلوار ویتون کارمندی و چهارشیر در اعتراض به شکل استخدام کارگران قراردادی اجتماع کردند. برای پراکندن اجتماع اعتراضی آنان گارد صنعت

درد دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۶۶ تومان شهریه اولیه

گرفت. رئیس دانشکده (مکزیو) از روبرو شدن با دانشجویان ابا داشت. وی دانشجویانی را که مصرا نه از وی جواب می خواستند تهدید به اخراج به جرم اخلالگری کرد. پدر واحد پوشکی دانشگاه آزاد نیز در همین زمینه اعتراضاتی صورت گرفت. او دانشجویان ترم ۵ پرستاری که شهریه اولیه آنان در هر ترم حدود ۶۰۰ تومان بود اینک ۱۳۶۶ تومان طلب می کنند. آنان حاضر به ثبت نام با این شهریه سرسام آور نشدند. هنوز از نتیجه اعتراضات این دانشجویان گزارشی نرسیده است.

* افزایش شهریه و نرخ پرداختنی برای هرواحد درسی در دانشگاه آزاد اسلامی اعتراض دانشجویان رشته های علوم پایه و مهندسی را برانگیخت. شهریه ثابت از ۱۵۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان و نرخ واحدهای تئوری از ۱۲۰۰ تومان به ۱۵۰۰ تومان، واحدهای عملی از ۶۰۰ تا ۸۰۰ تومان به ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان افزایش یافت. در تاریخ ۶۶/۱۱/۱۵ دانشجویان پس از اطلاع از افزایش شهریه اقدام به اعتراض کردند. عبارت "افزایش شهریه هیچ توجیهی ندارد" بر درو دیوار شوشته شد و بشکل تراکت دستی پخش کردید. اعتراض جنبه کاملاً عمومی و همه گیر به خود



اردبیل سزنان و کودکان یک خانواده چنوبان

علیه جنگ شهرها، برای استقرار صلح

اعتصاب غذا در فرانکفورت

خبر این اعتصاب غذا در روزنامه‌های آلمانی فرانکفورت آگنیت، فرانکفورت روندشاو، فرانکفورت رویه پیرس با ژاناب یافته است.

خبرفتاران آسوشیتد پرس، دویچه پرس آرگنتور (آژانس خبری آلمان) نیز با مراجعه به اعتصابگران اقدام به تهیه خبر نموده‌اند.



افشاکر، در برابر ساختمان محل اعتصاب غذا

مبئی بر قله معاملات تسلیحاتی شرکت‌های آلمان فدرال با ایران حمایت می‌کنیم... شرکت کنندگان در اعتصاب غذا صبح روز پنج‌شنبه ۲۴ مارس با برگزاری یک تظاهرات ایستاده علیه جنگ و شعارهای "مرگ بر خمینی" به جنگ پایان دهید، خشم و نفرت خویش را نسبت به سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم خمینی ابراز داشتند و بر خواست‌های خود مبئی بر قله فوری جنگ شهرها، قله فوری صدور تسلیحات نظامی به ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد پای فشردند.

بقیه از صفحه آخر
فدرال و برلین قریبی، پترشوت نویسنده مبارز و از فعالین مشهور جنبش صلح در آلمان فدرال و... از آن جمله‌اند.
در اولین خبرنامه ویژه اعتصاب غذا به فقل از پیام کوفیست‌های ایالت هسن آلمان، آمده است، "دوستان عزیز ما کوفیست‌های هسن از خواسته‌های برخی شما حمایت می‌کنیم... جنگ شهرها مانند جنگ خلیج نه تنها تراژدی خلق‌های ایران و عراق است بلکه صلح را در جهان به خطر انداخته است... ما رسماً از خواسته‌های شما

بخشی از یک نامه از تهران

... روز دهم اسفند، تهران مورد اصابت موشک‌های دوربرد عراق قرار گرفت. غیر منتظره بود و تکان دهنده: به یکباره چهره تهران تغییر کرد. مردم حاضر نبودند فرزندانشان را حتی برای رفتن به مدرسه، از خدوشان دور کنند. احساس ناامنی همه را مضطرب کرده بود. در همان دوسه روز اول مدارس نیمه تعطیل شد. وقتی رادیو اعلام کرد امتحان ثلث دوم مدارس به تعویق افتاده، تعطیلی مدارس شکل رسمی‌تری یافت. همه خانواده‌ها سعی می‌کردند حول وحوش همدیگر باشند تا در صورت بروز خطر به کمک همدیگر بشتابند و باهم چاره‌اندیشی کنند. باید آن آم‌پاره لغختی لقدمور را در هوا دید و دید که باچه سرعتی مثل باد و طوفان ووزه می‌کشد و وقتی به زمین اصابت می‌کند چه آتشی بپا می‌کند و چه دودی به هوا می‌پراکند. آشوبت است که می‌شود وحشت و اضطراب این موشک‌های لغختی را فهمید. بلای موشک آژدر به سرعت تاول می‌شود که حتی فرصت خبر کردن دیگران هم نیست. حتی صدای آژیر هم به آدم ککی نمی‌تواند برساند.

از روز دهم اسفند تاکنون، همه مردم تهران بخیر انفعجار موشک را در چند قدمی خود احساس می‌کنند و آفوقت که آدم چنین احساسی دارد دیگر کاری از او بر نمی‌آید. آنهایی که ترس و وحشتی از مقامات ندارند، به سرکار نمی‌روند و آنهایی هم که می‌روند کاری از ایشان ساخته نیست. اکثر شرکت‌های خصوصی نیمه تعطیلند و بسیاری عملاً تعطیل. کاسب‌های تهران مجبورند چندین بار را با هم تحمل کنند. بلای بی‌پولی مردم، بلای کمبود مشتری شب‌عید، بلای اصابت موشک و بلای ترس از پیکیری‌های بعدی حوب‌اللی‌ها در صورت بستن مغازه‌ها...

از روز بیستم اسفند، رادیو جمهوری اسلامی مرتباً اعلام می‌کرد که ما چون (مثلاً) بشردوست هستیم، پیشهاد قطع جنگ شهرها را می‌پذیریم و به گفته "امام" فقط در جبهه‌ها پاسخ عراق را می‌دهیم.

جمعه‌اوری کمک از کارمند و کارگر افتادند... کارخانه‌ها هم بلافاصله نیستی از طرف انجمن اسلامی به قسمتهای مختلف داده شد که بر کردن آن اجباری بود... در قسمتهای مختلف بعضی‌ها لیست را کم کردند، بعضی‌ها اجباراً یک روز اضافه‌کاری و بیا یک روز حقوق، را پذیرفتند تعداد ۲۵ نفر هم اعزام به جبهه داشتیم. تعداد زیادی هم همه را خط تیره زدند.
در آفرما یک اطلاعیه بی‌امضا در تابلوی اطلاعات نصب شد که چهارروز از پنجشنبه‌های تعطیلی تا پایان سال ۶۶ را کارگران بپذیرد اضافه‌کاری کنند و اگر نپذیرند چنین و چنان می‌کنیم (چریمه و توبیخ) پس از دوساعت که کسی مسئولیت اطلاعیه را بعهده نگیرد، کافه عوض شود اطلاعیه دیگری با امضا انجمن اسلامی، شورا و امور اداری زده شد با این مضمون، "بعثت استقبال بی‌تأخیر کارگران از اضافه‌کاری برای جبهه‌ها، روزهای... برای اضافه‌کاری تعیین شده است." بچه‌ها ناراحت و خشمگین شروع به جمع‌آوری طومار کردند که حدود ۸۰۰ کارگر از قسمتهای مختلف (ماشین‌ساز، ریخته‌گری، لوله‌ساز، آهنگری و...) آفرا امضا کردند. در طومار فوشته شده بود که حتی به گفته رسمی مسئولان مملکتی اضافه‌کاری اجباری نیست. طومار برای انجمن اسلامی هم فرستاده شد. بدنبال این اعتراض، روز قبل از تعطیلی این اطلاعیه به تابلوی اطلاعات چسبانده شد.

"بعثت تعمیرات برق اضافه‌کاری فردا لغو می‌شود و روزهای دیگر را نیز متعاقباً اعلام می‌داریم."

چند روز بعد جبردار تدبیر که کمیته‌ای برای یاری به مدیریت و شورای هرامایشی تشکیل شده است و اسمش را "کمیته بیکاری" گذاشته‌اند و وظیفه‌اش این است که برخی کارگران را که (به علل متفاوت) از طرف سرپرستی به این کمیته معرفی می‌شوند به قسمت تعمیرات تراشی برای بیکاری بفرستد. مساله اصلی‌شان هم این بود که در قسمت تعمیرات تراشی آمار تولید از ۷۰ عدد به ۱۲۰ عدد افزایش یابد. برخی کارگران بخاطر رعب و وحشت و ناآگاهی به این کارتن دادند اما تعداد بسیاری مقاومت کردند که عده‌ای چریمه و تعدادی نیز اخراج شدند.

روز جمعه ۲۱ اسفند ساعت چهار و بیست دقیقه بعد از ظهر آخرین موشک عراق پس از توافق ظاهری قطع موشک بارانها به تهران اصابت کرد. مردم چینی نزدیک به دو روز قطع موشکباران را شاهد بودند و نزدیک بود که آتش پس را باور کنند که ساعت ۱۰ شب روز یکشنبه ۲۲ اسفند باردیگر موشکباران تهران شروع شد. اکثر مردم این را می‌دانستند که چنین جنگ طلبی جمهوری اسلامی است که خوشبخت دیوانه‌وار صدام را متوجه مردم بی‌گناه و بی‌پناه ایران کرده است.

از همان روزهای نخست موشکباران تهران، آنهایی که در شهرهای اطراف و حتی در شهرهای دور از تهران امکان اقامت و یا آشنا و فامیلی داشتند، تهران را ترک گفتند. خیابانها به شکل چشمگیری، خلوت و دل‌مرده شده است. آنهایی که در طبقات پائین و یا وسطی آپارتمانهای مرتفع خانه دارند، اکثراً در تهران مانده‌اند. می‌گویند وقتی موشک به ساختمان‌های مرتفع اصابت می‌کند، قطعیکی دو طبقه آخر آن در معرض خطر ریزش آوار قرار می‌گیرند و طبقات میانی و پائینی مصون هستند. به همین خاطر آنهایی که در طبقات میانی ساختمانهای مرتفع خانه دارند، این روزها از جمع آشنایان و خویشان در منزلشان پذیرایی می‌کنند. آنهایی که در شهرهای نزدیک تهران هستند نیز همین وضعیت را دارند.

خیابان‌های تهران خلوت است. کسی حاضر نیست حتی برای خرید عیدم که شده چند ساعت از خانواده‌اش دور باشد. در نتیجه مقارنه خلوت هستند و تقریباً بدون مشتری. از بازار شب‌عید چندان خبری نیست، با وجود این کاسب‌های تهران، بلای موشک را به جان خریده‌اند و در فکر فروش اجناسی هستند که از مدت‌ها پیش برای عرضه کردن در بازار شب‌عید انبار کرده‌اند.

روزی‌ام اسفند، روز تحویل سال، اگر چه یکی دو شهرستان، مورد اصابت موشک قرار گرفت، اما تهران از حمله موشکی فارغ بود. روز اول فروردین مردم تهران از جنگ افروزان، عیدی خود را دریافت داشتند. تهران موشکباران شد، با وجود این سفره هفت‌سین فقیرانه‌مان گسترده بود... ●

سوئد

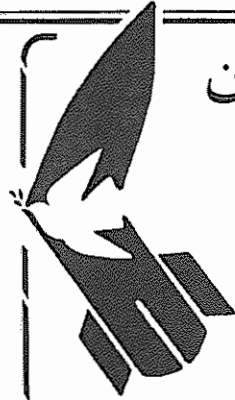
* ساعت ۴ بعد از ظهر به شبیه ۱۸ اسفند برابر با ۸ مارس جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم شهر لاکسو در اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق و در جدید حملات موشکی به مناطق مسکونی دو کشور دست به یک راهپیمایی زدند. راهپیمایان با حمل پلاکاردهایی مبنی بر شعارها، ضد جنگ و فریاد مرگ بر خمینی، زنده باد صلح، مرگ بر جنگ و... خواستار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، قطع صدور اسلحه به ایران و استقرار صلح میان ایران و عراق شدند.

در پایان راهپیمایی، شرکت کنندگان در آن با گردمایی در مرکز شهر به قطعنامه ای که برخواست قطع جنگ شهرها و برقراری آتش بس و صلح بین طرفین درگیر تاکید داشت، گوش فرا دادند.

مسئول اتحادیه کارگری شهر، نماینده کلیسا، شهر، شهردار، مسئولین کمون، مدارس و کمپ پناهندگان با شرکت در راهپیمایی و با ارسال پیام همبستگی خود را با راهپیمایان اعلام داشتند. در این راهپیمایی بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کرده بودند.

* حدود ۱۰۰ تن از "ایرانیان مقیم استرگولند" (یکی از ایالت ها، سوئد)، در تاریخ ۲۲ اسفند (۱۲ مارس) با برپایی یک تظاهرات ضد جنگ در شهر لین شویفنگ خواهان قطع فوری جنگ شهرها و خاتمه جنگ جنایتکارانه رژیم های خمینی و صدام شدند. این تظاهرات که با همکاری انجمن فرهنگی لین شویفنگ و انجمن ایرانیان نورشویفنگ برگزار شد مورد توجه شهروندان سوئدی قرار گرفت. در قطعنامه پایانی این تظاهرات آمده است، "این جنگ جنون آمیز باید

تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور علیه موشک باران شهرها علیه جنگ



بر خمینی، زنده باد صلح، زنده باد آزادی، و چند شعار دیگر خواستار قطع موشک باران شهرها و خاتمه جنگ شدند. در پایان این تظاهرات قطعنامه ای قرائت گردید که در آن بر خواست استقرار صلح میان ایران و عراق تاکید شده بود.

* صبح روز یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۶۷ مارس محوطه مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر مونیخ محل تجمع بیش از ۱۰۰ تن از ایرانیان صلح دوست بود که در میانشان تنی چند از شهروندان آلمانی نیز به چشم می خورد. اجتماع کنندگان با

هر چه زودتر پایان پذیرد... ما از شهروندان سوئدی می خواهیم که صدای اعتراض خود را همگام با مردم کشورهای ایران و عراق به گوش مجامع بین المللی برسانند.

* به گزارش روزنامه سوئدی "دالامکراتها" مورخ ۱۶ مارس (۲۶ اسفند)، اوسوی تعدادی از ایرانیان مقیم شهر بولنگه، تظاهراتی علیه ادامه جنگ، ناشناسوز ایران و عراق صورت گرفت. این تظاهرات که در یکی از مراکز شهر برگزار شد با حمایت جمعی از شهروندان سوئد، ساکن بولنگه مواجه گردید.



مونیخ - آلمان فدرال

دردست داشتن پلاکاردهای مصور و پرده های حاوی شعارهایی مبنی بر محکوم کردن سیاست ادامه جنگ، مخالفت با ارسال اسلحه به دو کشور و سرکشی رژیم جمهوری اسلامی توجه عابرین را به خود جلب کردند.

در بخندل این حرکت اعتراضی چندتن از مزدوران کنسولگری در بالکن ساختمان آن قاهر شده و به جمعیت هتاکي کردند اما هتاکي های جنون آمیز آنان در طغیان رای شعارهایی چون "مرگ بر خمینی"، "جمهوری اسلامی، جمهوری خیانت"، "جمهوری چغایت"، "جنگ مورد نفرت ماست - صلح خواست مردم ماست" و... محو شد.

* در ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۹ اسفند (۹ مارس) گروهی از ایرانیان مقیم مونیخ و شهرهای کوشفلد و وارشدورف که به دعوت "جمعی از دانشجویان و پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم مونیخ" در یکی از مراکز شهر مونیخ گرد آمده بودند، دست به یک تظاهرات اعتراضی علیه جنگ شهرها و سیاست ادامه جنگ زدند.

شرکت کنندگان در این تظاهرات که تعدادی آلمانی و فلسطینی نیز با آنان همراهی می کردند، خواهان قطع جنگ شهرها،



لاکسو - سوئد

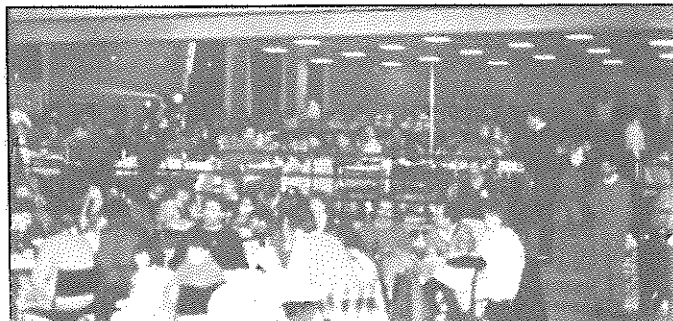
آلمان فدرال

* روز ۲۱ اسفند (۱۱ مارس) به دعوت کمیته ضد جنگ خلیج تظاهراتی در شهر هامبورگ برگزار شد که در آن حدود ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند. خبر این تظاهرات در روزنامه های تاتس، اوتست و... درج گردید و گزارشگر یک رادیوی محلی شهر کیل نیز با تعدادی از شرکت کنندگان در آن به گفتگو حول مساله جنگ ایران و عراق پرداخت.

این تظاهرات از مرکز شهر شروع و تا نزدیکی دانشگاه ادامه یافت. تظاهر کنندگان با فریاد مرگ



بولنگه - سوئد



در شماره‌های پیشین نشریه اکثریت گزارش برپائی مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن در شهرهای مختلف جهان باو تاجاب یافت. از برپائی این مراسم در تاجار از کشور، همپخان گزارش‌های تاوه‌ای بدست ما می‌رسد، از بلژیک، مقدونستان، دانمارک (کیفهاک)، آمریکا (شیکاگو) برلین غربی و... عکس بالا صفحه‌ای از این مراسم را در کیفهاک نشان می‌دهد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

از رهبران جنبش توده‌ای مردم بوده‌اند که با مقاومت و اعتصاب غذای خود عشم رژیم را برانگیخته و در زندانهای رژیم تحت شکنجه قرار گرفته‌اند.

کمیته بدین جهت به شدیدترین شکل ممکن سرکوب حقوق بشر و نابودی زندگی انسانها توسط رژیم را محکوم نموده و خواهان توقف بلافاصله حکم اعدام می‌باشد. در میان این زندانیان نامهای زیر به چشم می‌خورد، انوشیروان لطفی، رحیم اسداللهی و صد اسلامی.

سوئد

حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست پاراکوئه - سوئد، حزب سوسیالیست پاکستان - سوئد و انجمن مهاجرین پاراکوئه‌ای مقیم سوئد با ارسال یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس‌جمهور رژیم خمینی، انزجار خود را از سیاستهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی معجزه‌فدائیان اسیر ابراز داشتند.

متن این نامه چنین است، "ما از طریق کمیته مرکزی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطلاع یافتیم که دوتن از کادرهای برجسته سازمان از طرف حکومت شما در خطر اعدام قرار گرفته و زندگی آنها کاملاً در خطر است.

همچنین رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان که در سال ۱۹۸۲ دستگیر شده است شدیداً تحت فشار و شکنجه دائمی قرار دارد.

ما شدیداً علیه حکومت شما اعتراض داریم و به‌نام حقوق اولیه انسانها از شما می‌خواهیم که این اعدام‌ها قطع شوند و تمامی زندانیان سیاسی آزاد گردند."

مرکز اتحادیه‌های کارگری مقدونستان و انجمن سراسری زنان دمکرات مقدونستان با صدور اعتراضیه‌ای که روشنت آن برای خمینی، وزیر دادگستری، سفیر جمهوری اسلامی در مقدونیه و دیگران تاوان ملل ارسال گردید، پیکرد، دستگیری و شکنجه انقلابیون ایران را قویاً محکوم نمودند و به دفاع از زندانیان سیاسی ایران برخاستند. در بخشی از این اعتراضیه چنین می‌خوانیم،

"این افراد (زندانیان سیاسی) شامل انقلابیون بزرگی چون انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، صد اسلامی و رحیم اسداللهی... می‌باشند. " مرکز اتحادیه‌های کارگری مقدونستان و انجمن سراسری زنان دمکرات مقدونستان در این اعتراضیه "خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام رهبران سیاسی و خواهان برقراری صلح و دمکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران" شده‌اند.

دانمارک

کمیته همبستگی برای صلح و دمکراسی در ایران و عراق طی یک نامه اعتراضی به سردمداران رژیم خمینی شکایت خود را از خبر صدور حکم اعدام برای قریب ۷۰ نفر از زندانیان سیاسی ایران را اعلام داشته و انزجار خود را از ارتکاب به این عمل بیان کرده‌است. در بخشی از نامه این کمیته آمده است، "بخش بزرگی از این زندانیان

عراق - اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت - حمایت فعال مجامع و محافل بین‌المللی بویژه دفتر پناهندگان سازمان ملل از سربازان و جوانانی که حاضر نیستند گوشت دم‌توپ رژیم‌های ایران و عراق باشند.

کانون پناهندگان همچنین با انتشار نامه سرکشاده‌ای به دبیرکل سازمان ملل از وی خواست تا اقدامات ضرور در جهت قطع فوری و بلادرنگ حملات موشکی و بمباران مناطق مسکونی از طرف رژیم بعمل آورد.

دو روز قبل از برگزاری این تظاهرات، تظاهرات مشابهی به ابتکار شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی برپا شده بود که پناهندگان شرکت کنند در آن نیز خواهان استقرار صلح میان ایران و عراق بودند.

دانمارک

دروژ چهارشنبه ۱۹ اسفند ۹۱ (مارس) میدان شهرداری کیفهاک صفحه گردهمایی گروهی از ایرانیان صلح‌دوست بود که با شرکت در آن نفرت خود را از گسترش آتش جنگ ابراز داشتند.

شرکت کنندگان در گردهمایی سین در دسته‌های منظم با شعارهای "مرگ بر خمینی و صدام"، "صلح، صلح، آزادی - صلح، صلح، استقلال" تا دفتر هواپیمایی عراق و از آنجا به سوی سفارت جمهوری اسلامی در کیفهاک حرکت کردند. در مقابل سفارت هنگامی که مزدوران دیپلماتیک رژیم خمینی اقدام به عکس گرفتن از تظاهر کنندگان کردند، فریاد "مرگ بر خمینی" آنها به اوج خود رسید. این تظاهرات با فراشت یک قطعنامه به دو زبان دانمارکی و فارسی پایان یافت.

گروهی از اعضای انجمن افشجویان عراقی و حزب سوسیالیست‌های چپ دانمارک نیز در این تظاهرات شرکت داشتند.

خاتمه جنگ ایران و عراق، تحریم تسلیحاتی ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بودند. خبر این تظاهرات همراه با چاپ عکسی از راهپیمایان در روزنامه "موشتر" باو تاجاب یافت.

* در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۹ (مارس) تعدادی از نمایانهای مرکزی شهر یادربور، شاهد تظاهرات اعتراضی جمعی از ایرانیان صلح‌دوست و ترقیخواه مقیم این شهر بود. شرکت کنندگان در تظاهرات خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شدند.

در فراخوانی که بدین مناسبت به زبانهای آلمانی، فارسی و عربی در شیر بخش شد جنبش صلح آلمان فدرال به اعتراض فعال علیه بمبارانها و تدارم جنگ ایران و عراق فراخوانده شده‌است.

* در روز جمعه ۲۷ اسفند جمعی از پناهندگان سیاسی مقیم آخن و حومه با برگزاری آکسیون ایستاده‌ای دریکی از مراکز شهر که بصورت نمایش پلاکاردهایی مبنی بر شعارهای ضد جنگ، بخش اعلامیه‌های آلمانی و فارسی و همچنین جمع‌آوری امضا از شهروندان آلمانی در تایید مضمون متنی بزیان آلمانی که بر اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل تاکید داشت، انزجار خود را از ادامه جنگ جنایتکارانه ایران و عراق اعلام داشتند.

پاکستان

روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) محوطه مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی صفحه تظاهرات تعدادی از پناهندگان ایرانی بود که به دعوت کانون پناهندگان ایرانی - کراچی گرد آمده بودند تا خشم و انزجار خود را علیه جنگ خونین و ویرانگر ایران و عراق اعلام نمایند.

شرکت کنندگان در میتینگ کانون پناهندگان ایرانی، علیه جنگ برای صلح با صدور قطعنامه‌ای خواهان اجرای خواسته‌های زیر شدند، قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ - تحریم تسلیحاتی در رژیم ایران و



کراچی - پاکستان

نگاهی بر تحولات و رخدادهای اقتصادی کشور در سال ۶۶

حاکمیت بحران بر اقتصاد کشور

اجاره شغلتش ها برای حمل نفت از خارک به نقاط امن خلیج فارس، دادن امتیازات و تخفیفهای ویژه، نام غریبیت بخشی از نفت صادراتی و تاثیر آن بر بهای نفت امتناع برخی کشورها از خرید نفت ایران، عدم رعایت برخی از کشورهای اوپک در قبال سهمیه های تعیین شده از سوی اجلاس دسامبر ۸۶، روند نزولی بهای نفت در سال ۶۶ و... همگی باعث آن شدند که بشا به اعتراف خود مسئولین رژیم، درآمد ارزی کشور ناشی از صادرات یک بشکه نفت در سال ۶۶ نه ۱۸ دلار که چپو، حدود ۱۰ دلار گردد. بهای نفت در کژارش برخی افراسانه های بین المللی، بهای نفت در آخرین رونوهای سال ۶۶ عملاً، و نه، رسا، به زیر ۱۲ دلار تنزل یافته است که همین امر در کاهش بیشتر درآمد ارزی ناشی از صدور نفت رژیم تاثیر خواهد نهاد.

بربستر این بحران ارزی و ریالی، بر جنبه های تبعی این بحران در اقتصاد کشور نظری بیافکنیم،

برنامه نویین اقتصادی

جمهوری اسلامی در مواجهه با دور جدید بحران ارزی و ریالی به منظور تحمیل بار اصلی این بحران بر دوش و حاکمان، در سال ۶۶ "برنامه نویین اقتصادی" را در دستور کار خود قرار داد. "برنامه نویین اقتصادی" که ناظر و محید بر مجموعه سیاستهای پولی و مالی دولت جمهوری اسلامی بود، هدف تأمین نیازهای نظامی اقتصاد جفت زده و مقابله با تشنگی بود. این ارزی بر زمینه نیازهای ارزی جنت رادشبال می داد. موسوی قنصل وزیر رژیم در دیماه سال ۶۶، رسا اعلام کرد که این برنامه، در ساله بوده و با پایان سال ۶۶، خاتمه خواهد یافت. "برنامه نویین اقتصادی" بر پنج محور زیر استوار بود،

۱- جنت

بهترین حالت، بطور متوسط و میانگین تنها موفقی به تولید ۱/۴ تا ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز گردید. اما بحران ارزی و ریالی رژیم حتی محدود به این فساد و در اش کاهش نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی جهان، شدت یافت. بروضح است که درآمد ارزی رژیم عمدتاً به دلار تأمین شده، حال آنکه کشورهای طرف قرارداد رژیم در امر واردات - آلمان فدرال، ژاپن، ترکیه، انگلستان، ایتالیا و... - با ارزهای دیگر به معامله با رژیم می پرداختند. کاهش نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی، باعث کاهش جدی توان خرید - توان وارداتی - رژیم گردید. کاهش نرخ برابری دلار در سال ۶۶ در مقام مقایسه با مارک آلمان فدرال و وین ژاپن - از زمره عمده ترین مراکز واردات ایران - به حد ۴۰ درصد بالغ شد.

سال ۶۶، بحران حادث شد

در سال ۶۶، بحران اقتصادی حادث کشور، چهره ویرانگر خود را بیش از پیش نمایان ساخت، هم از ایغرو که اقتصاد کشور از کاهش درآمد ارزی رژیم در سال ۶۵ به سختی آسیب دیده بود و هم از ایغرو که سیاستهای اقتصادی رژیم موسوم به "برنامه نویین اقتصادی" تاثیرات مخرب و ویرانگر خود را اساساً "در سال ۶۶" بر جای نهاد. گرچه بهای نفت در پی نشست دسامبر سال ۸۶ اوپک تا حد ۱۸ دلار باوای غربشکه افزایش یافته بود، ولی همین افزایش نسبی بهای نفت نیز نمی توانست به لحاظ عملی در کاهش و تخفیف بحران ارزی و ریالی کشور نقش اساسی و ویژه ای ایفا کند. از یکسو رژیم همچنان توانایی صادرات نفتی مطابق با سهمیه خود را نداشت و تنها چپویش بیش از نصف سهمیه مجاز خود نفت صادر کرد و از دگرو تقبل هزینه سنگین شرح بیمه کشتیرانی،

بقیه از صفحه اول

بحران "نیز مجبور تووینه سراسه ثروت براساس "عدالت اسلامی" و در واقعیت امر کاملاً ناعادلانه توزیه می گردد با این تفاوت که ز صحتشان و حقوق بگیران ثابت که از توزیه ثروت فصیب چقدانی نمی برند، در عرصه "توزیه سراسه" بحران اقتصادی، بیشترین سهم به آقان تعلق می گیرد. چنانکه گفته شد، بحران اقتصادی کشور در سال ۶۶ در قیاس با سالیان پیش از آن حادث گردید، حدث این بحران در سال ۶۶، از یکسو محصول تحولات اقتصادی سال ۶۵ و از سوی دیگر محصول سیاستهای اقتصادی بود که دولت جمهوری اسلامی تحت عنوان "برنامه نویین اقتصادی" به مورد اجرا گذاشته بود. از اینرو نتایج هر چند به اختصار به این دو وجه عمومی تاثیر گذار در حدث و شدت بحران سال ۶۶، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بحران ارزی و ریالی

همه دست اندرکاران و تحلیل گران اوضاع اقتصادی کشور در حدث بی سابقه بحران در سال ۶۶، اتفاق نظر دارند. ریشه های حدث، این بحران اقتصادی (نه ریشه های رخ نمود این بحران) بر بستر اقتصاد "پتر دلار" نه به سال ۶۶ نه به سالها پیش از آن برمی گردد. در واقعیت امر در اواخر سال ۶۲ و بدشبال حوادث مارس سال ۸۲ - اجلاس اوپک - روند رو به کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی رخ نمود. کاهش بهای نفت از ۲۴ دلار باوای، هر بشکه به ۲۹ دلار که در اجلاس مارس ۸۲ اوپک و مطابق با اوضاع بین المللی تصویب شده بود، از آن هنگام روندی نزولی را دنبال کرد و در سال ۶۵ به حقیقت خود رسید. بشا به اعتراف بهواد قنوی وزیر صنایع سنگین رژیم با احتساب و در نظر گرفت هزینه های حمل و نقل و تخفیفهای بیمه کشتیرانی در آبهای خلیج و همچنین تنه قنهای ویژه ای که دولت جمهوری اسلامی برای جلب مشتری قائل می شود، درآمد ارزی رژیم از صدور یک بشکه نفت در سال ۶۵ به زیر ۶ دلار سقوط کرد. و این بدین معنا بود که درآمد ارزی رژیم از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۶۲ - ۶۱ به حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۶۵ کاهش یافت و با در واقعیت امر سقوط کرد. این کاهش یکباره درآمد ارزی کشور، نشانی از بحران حادث ارزی اقتصاد کشور بود که تاثیرات سنگینی بر اقتصاد کلان و خرد کشور و بر وضعیت درآمد مردم داشته و دارد. کاهش یکباره درآمد ارزی کشور، که ناشی از کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی بود، برای اقتصاد تک محصولی کشور زمینه لرزه ای سهمین محسوب می شود، چرا که ۹۵ درصد درآمد ارزی کشور محصول صدور نفت بود. و بالغ بر ۸۰ تا ۹۰ درصد کل فعل و انفعالات اقتصاد کشور - مستقیم و یا غیر مستقیم - به درآمد ارزی ناشی از صدور نفت بستگی دارد.

بحران ریالی کشور (که بستگی کامل به بحران ارزی دارد) خود را عمدتاً در کسری بودجه هفت دولت نشان داد. اما حدث بحران ارزی و ریالی تنها به کاهش بهای نفت محدود نشده، بلکه سراسر سال ۶۶، بدشبال حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی و پایانه ها و مبادی صادراتی نفت کشور و از جمله خارک، توان صادرات نفتی کشور شیو تنزل یافت و جمهوری اسلامی هر کژ در سال ۶۶ قادر نشد مطابق سهمیه تعیین شده اش از سوی اوپک نفت تولید کند. بشا به نظر کارشناسان بین المللی و حتی اعترافات خود مسئولین رژیم، جمهوری اسلامی در سال ۶۶، در



بیکاری پنهان و درآمادهای رسمی انبوه دستفروشان را چو و شاعلین محسوب می کنند!

مالیات ها

رژیم از اوایل سال ۶۵ به نحوی جدی به سیاست جدید مالیاتی روی آورد و این سیاست در سال ۶۶ نیز بطور همه جانبه پی گرفته شد. رژیم برای تخفیف بحران ریالی خود و کاهش کسری بودجه هفتگفت دولتی کوشید تا با غارت اموال مردم و دریافت مالیاتهای متنوع ستون درآمدهای خود را برقرار کند. میزان مالیاتهای دریافتی رژیم در سال ۶۶، بیش از ۷ برابر سال ۵۹ بود. با توجه به بستگی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی کشور، مشخص می شود که افزایش درآمدهای مالیاتی در شرایط کاهش شکستگی درآمدهای نفتی، خود بازتابگر چه میزانی از بحران اقتصادی بوده است. سیاست مالیاتی جدید رژیم که در اواخر سال ۶۶، لایحه آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اساسا به زیان توده های مردم

ناگزیر آن چیزی را مصرف می کنند که بدست می آورند.

مخوردیک برنامه نوین اقتصادی رژیم، تداوم تولید و اصلاح ساختار تولید صنعتی بود. در سال ۶۶، چرخهای صنعتی کشور در اثر کاربست همین برنامه نوین اقتصادی ضربات و لطامات جدی دریافت کردند. چرخهای برخی از صنایع و واحدهای صنعتی از گردش باز ماندند و آمفگ حرکت برخی دیگر به شدت کاهش یافت. رژیم از تخصیص ارز مورد نیاز صنایع کشور امتناع ورزید. این در حالی است که صنایع کشور بین ۵۰ تا ۸۰ درصد در عرصه مواد اولیه و قطعات و لوازم یدکی به ارز بستگی دارند. بودجه ارزی وزارت صنایع شکن و وزارت صنایع چون سال ۶۵ به شدت کاهش یافت. چشیدی معاون اقتصادی و باورگانی وزارت صنایع اعلام کرده بود که ارز مورد نیاز وزارت صنایع که ۸۰ درصد واحدهای



چنگ چاپیسی
برای تولید
باقی نمی گذارد
هر چیز را ویرانه
می کند. اقتصاد
کشور درهم شکسته
شده است.

تقلیم شده است. مقایسه میزان مالیاتهای دریافتی با نقدینگی بخش خصوصی، به خوبی نشان می دهد که شکنجی بار اصلی مالیاتها بر دوش چه کسانی است. بعنوان مثال میزان مالیاتها در فاصله زمانی ۵۸ تا ۶۶ از ۲۷۰ میلیارد ریال به ۲۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است و در همین مدت زمان نقدینگی بخش خصوصی از ۲۵۵۰ میلیارد ریال به رقم پچومی ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال بالغ شده است. این چغین است که رژیم برای حل برخی از مشکلات اقتصادی خود، رو به تاراج اموال خود توده های رنجبر آورده است و وزران و زنان خود در پناه رژیم و با استفاده از "عدالت اسلامی" پول های هفتگفت به جیب می وند.

برنامه نوین اقتصادی بطور رسمی پایان یافت. ولی بحران حاد اقتصادی و تاثیرات مغرب همین برنامه بر اقتصاد کشور، تورم لجام گسیخته، بیکاری گسترده، صنایع و مزارع سوخته، اقتصاد شیراوه گسیخته، دودکش های بلند به خود صنایع، فوج فوج دهقانان فغانه خراب در کناره های شهرهای بزرگ، کمبود سرسام آور مداد و کالاهای اساسی وندگی، مشکل مسکن و... بر جای مانده است. در واقعیت امر روح و محوره های اصلی برنامه نوین اقتصادی رژیم تحلیل شده است و همچنان در سال ۶۷ نیز از سوی رژیم دشمال خواهد شد. بحران در سال ۶۶ شدت و حدت یافت، حدت و شدت دم افزون بحران، میوه های تلخ دیگری با خود خواهد داشت. تنها بعنوان فموفه مسئولین رژیم اعتراف کرده اند که کسری بودجه سال ۶۷ بالغ بر ۱۷۰۰ میلیارد ریال است و این کسری بودجه بی سابقه، تاثیرات باووم مغرب تری بر اقتصاد کشور خواهد داشت. موسوی نخست وزیر در دیماه سال گذشته اعلام کرد که اقتصاد بیمار کشور باید داروی تلخ بخورد. و ژهر، راکه در جان مردم می کفند، "داروی تلخ" فامید، و خوراندن این ژهر به مردم اساس روشهای اقتصادی رژیم خمینی در سال ۶۷ است.

صنعتی کشور را تحت پوشش دارد، و در شرایط معلوب بیش از ۵۰ میلیارد دلار است. در سال جاری، سال ۶۵ - به یک ششم ارز مورد نیاز تنزل کرده است. بودجه وزارت صنایع شکن به یک دهم کاهش یافته بود. کاهش بودجه وزارت صنایع و صنایع شکن در سال ۶۵، و در واقعیت امر در آغاز "برنامه نوین اقتصادی" تاثیرات مغرب خود را در سال ۶۶ و در پایان موعد اعلام شده "برنامه نوین اقتصادی" نشان داد. وضعیت تخصیص ارز در سال ۶۶ نیز در همان سطح سال ۶۵ باقی ماند و عملتها یک هفتم ارز مورد نیاز صنایع در مقایسه با سال ۶۴ تامین گردید.

تداوم تولید صنعتی بهیچ رو واقعیت نیافت و تنها آن واحدهای تولیدی توانستند تولید خود را حفظ کنند که با تغییر خط تولید خود از کالاهای صنعتی به کالاهای شغامی، عمل از سوی "اولویت اول" چنگ بیمه شده بودند.

در سال ۶۵، در نشست مسئولان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور، اعلام شده بود که کسری ۱۶ میلیارد دلار در آمد ارزی کشور باعث کسری بودجه ۴۰ تا ۵۰ درصدی کشور خواهد شد. درآمدهای ملی بالغ بر ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت و حدود ۲ میابون کارگر، بیکار خواهند گردید. از حرکت بازماندن و یا کاهش آمفگ حرکت واحدهای تولیدی و صنعتی کشور مغرب به بیکاری گسترده کشور گردید. تنها بنا به اعتراف خود رژیم در سال ۶۶، بیش از ۷۵ هزار کارگر اخراج شده اند. این در واقع پیش بینی روژنامه های دولتی در آغاز سال ۶۶ بود (۷ و ۸ اردیبهشت ماه ۶۶). اما گزارش های غیر رسمی تعداد کارگران بیکار شده را بیش از این رقم اعلام کرده اند. از سوی دیگر اقتصاد کشور قوه جذب نیروهای جدید را نیز کاملا از دست داده است. همه ساله فیم میلیون نفر به نیروی بیکار کشور، به ارتش تعلیم بیکاران ملحق می شوند.

۱- اولویت بخشیدن به کشاورزی.

۲- تغییر الگوی مصرف

۳- تداوم تولید و اصلاح ساختار تولید صنعتی

۴- تامین مایحتاج عمومی

رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر محوره های فوق الذکر، روی آوردن به سیاست جدید مالیاتی و صرفه جویی اکید در امر تخصیص ارز را نیز در چارچوب برنامه نوین اقتصادی مطرح و گنجانیده بود.

بر اساس این برنامه، چنگ یکی از محوره های پنجگانه برنامه نوین اقتصادی محسوب نمی گردید، بلکه از اولویت تمام برخوردار بود. چنگ و مسائل مربوط به آن در واقعیت امر یکی از عرصه های مورد توجه اقتصاد چنگ زده نیست، بلکه حاکم و مسلط "عیز داشتن" چنگ کمترین مصلحت طلبی و بدهی را روا نمی دارد و صراحتا به سیاست و اقتصاد چنگی خود افتخار می کند. موسوی نخست وزیر رژیم بهنگام ارائه لایحه بودجه سال ۶۷ به مجلس شورای اسلامی، رسا اعلام کرد: "می توان به چرات و با افتخار ادعا نمود که جای پای چنگ را در تمامی تصمیمات دولت می توان مشاهده کرد." (رسالت ۷- دیماه ۶۶) و این واقعیتی است که جای پای چنگ بر همه تصمیمات اقتصادی کشور قابل مشاهده است.

رژیم در سال ۶۶، بخش اعظم درآمد ارزی کشور را صرف خرید چنگ افزار و تجهیزات نظامی کرد. رژیم بخایه اعتراف رسمی خود، در سال ۶۶، ۴۸ درصد از کل میویندهای بودجه عمومی و ۵۲ درصد از کل اعتبارات جاری دولت را به امر چنگ اختصاص داد. بخش قابل ملاحظه ای از بودجه عمرانی کشور در واقعیت امر نیز، صرف چنگ و امور شغامی شد. گرچه رژیم از افشای ارقام واقعی مربوط به سهم چنگ و ویرانی در بودجه عمرانی و آبادانی تن می زند ولی کارکرد رژیم در دوساله گذشته، خود بهترین شاهد این موضوع است. همین چندی پیش مسئولین رژیم فاش ساختند که از ۲۸۰ طرح عمرانی که می بایست طی دوسال گذشته اجرا می شد، تنها ۵ طرح آشم با یکسال تاخیر به اتمام خواهند رسید.

توجه رژیم به امر کشاورزی نیز تماما محصول این موضوع است که کشاورزی در مقام مقایسه با سایر عرصه های اقتصاد، از فیاو ارزی کتری برخوردار است و نه تنها به لحاظ صرفه جویی ارزی، برای رژیم علف توجه به این عرصه مقرون به صرفه است، بلکه رژیم از طریق صادرات کالاهای کشاورزی می کوشد تا ارز بیشتری تحصیل بنماید. ارزی که باید در دهان اژدهای سیرشادنی چنگ ریخته شود. تمام "توجه اکید" رژیم جمهوری اسلامی به امر کشاورزی و تبلیغات وسیع و جاروچشمال تبلیغی بیرامون آن، در انتهای کار تنها به افزایش به درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی مغرب گردید که حتی همین افزایش ناچیز را باید بادر نظر گرفت شرح رشد جمعیت و کاهش نقش صنایع، معادن و نفت در تولید ناخالص ملی مورد ارزیابی قرار داد.

در خصوص تغییر الگوی مصرف و تامین مایحتاج عمومی، فیاو چندانی به توضیح و تفسیر نیست، چه کارکرد رژیم و عواقب سیاستهای اقتصادی دولت، تورم لجام گسیخته و غیر قابل بار، بیکاری گسترده، حلقه سطح درآمد حقوق بگیران ثابت، عملا نبود به تغییر الگوی مصرف مغرب شده است و مردم کشور بر بستر کمبود مایحتاج عمومی که عملا زیر سایه سیاست تامین مایحتاج عمومی شدت بیشتری یافت، اصولا با صرف هزینه های گزاف و رنج فراوان،

بازار گرم کلاشی

"استفاده از چپیس و پیراشکی که خارج از ضوابط بهداشتی تولید می شود، خطرناک است و آثار سوء کبدی بر جای می گذارد. اداره نظارت بر مواد غذایی و بهداشتی استان تهران از عموم مردم کشور درخواست کرد از مصرف چپیس و پیراشکی خودداری نمایند." - کیهان ۵ آذر ۱۳۶۶

"(۶) قوع مایه تلر فوشویی غیر مجاز و ۲۴ نوع شامپو، غیر بهداشتی به بازار عرضه شده که مصرف آن از لحاظ بهداشتی برای مردم زیان بار است." - کیهان ۱۶ آذر ۶۶

متن اطلاعیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به نقل از کیهان ۲۸ آذر ۶۶، "طبق مدارک و اطلاعات تایید شده، متأسفانه از سوی موسسه ای به نام حوزه علمیه امام محمد باقر (ع) "حوزه علمیه باقریه" در شیراز تحت عنوان تربیت نیروی پزشکی از طریق ثبت نام از تعداد، داوطلب به نام دانشجوی پزشکی با اخذ شهریه ثبت نام شده است... این عمل غیر قانونی موسسه نام برده که با سلامتی جامعه در ارتباط است هیچگونه مجوز قانونی ندارد."

آماري از کار و رنج کودکان در جهان سرمایه داری



دستفروشان خردسال در کلمبیا

برخی کودکان را از کشورهای جهان سوم می ربايند و در اروپای غربی و آمریکا می فروشند. قیمت یک شوزاد در تایلند ۵۰ دلار و در "جهان متمدن" ۲۰ هزار دلار است. تنها در پاریس ۵ هزار نوجوان که ششان کمتر از سن قانونی است، به فحشا اشتغال دارند. طی ده سال گذشته بیش از ۶ هزار دختر جوان از تایلند ربوده شده اند. اغلب آنها را به مالزی می برند و می فروشند. قیمت هر دختر، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار است.

طبق برآورد سازمان بین المللی کار حداقل ۱۰۰ میلیون کودک (و بفا به برخی تخمین ها تا دو برابر این شمار، در سنین ۵ تا ۱۵ سالگی در کشورهای جهان سوم شاجار به کار مستمر برای تامین بخشی از درآمد خانواده اند. مشاغلی که کودکان دارند و تا ۵۰ ساعت در هفته عمر خود را در آن می گذرانند عبارتند از: فوکری و کلفتی، کار در معادن و مزارع و یادستفروشی. هزاران کودک سالیانه توسط فروشندهگان برده، به روسی خانه ها و سایر مراکز فحشا فروخته می شوند.

اعتراف به تعفن

"مردم توجه دارند که بنیادها، شرکت ها و تعاونی هایی که با سوء استفاده از امکانات عمومی به منظور تامین قدرت اقتصاد، برای کسب قدرت سیاسی بوجود آمده، به وسیله چه کسانی تاسیس شده است. ما قصد نداریم نقش قبر کنیم و الا قهرمایی نباش خواهد شد که تعفن آنها غوغا سالاران را دچار سرگیجه و شارا حتی خواهد نمود."

ژوآره ای عضو مجلس رژیم

- به نقل از رسالت اول اسفند ماه

حکایتی از
مثله کردن آثار ادبی

وزارت ارشاد اسلامی رژیم، در سال ۱۳۶۴ (چلو) نخستین چاپ جدید کتاب "جای خالی سلوچ" اثر محمود دولت آبادی را گرفت. بهانه این اقدام، "داشتن مطالب مستهجن و دور از نزاکت و خلافت و اخلاق عمومی" اعلام شد. در چاپ جدید که بالاخره در سال ۱۳۶۵ اجازه انتشار آن صادر شد، بخشی از کتاب حذف شده است. خبر این سانسور در شماره ۲۰ مجله آدینه چاپ تهران آمده است.

احمد شاملو



بی تاب ترین گرسنگان را
بر خوانچه های رنگین کمان
ضیافت می کردیم.

□ □ □

هنوز آسمان از انعکاس هلهله ستایش ما
(که بی ادعایتر کسانیم)
سنگین است.

این آتشبازی بی دریغ
چراغانی حرمت کیست؟

لیکن خدای را
با من بگویی کجا شد آن قصر پرنگار بآئین
که کنون
مرا

□ □ □

کجایی تو؟

که ام من؟

و جغرافیای ما

کجاست؟

زندان زنده بیزاریست

و مرصع و شام

در ویرانه هایش

به رگبار نفرت می بندند.

دزدانه
از مرزهای خاطره
می گریخت،

و ما را
حضور ما
کفایت بود؟

دودی که از اجاق کلبه بر نمی آمد
نه نشانه خاموشی دیگدان

که ناراندن شور چشمان را
کلکی بود
پنداری.

تن از سرمستی جان تغذیه می کرد
چنان که پروانه از طراوت گل.

و ما دو

دست در انبان جادویی شاه سلیمان

کجا بود آن جهان
که کنون به خاطره ام راه بر بسته است؟ -
آتشبازی بی دریغ شادی و سرشاری
در نه توهایی بی روزی آن فقر صادق.

قصری از آن دست پرنگار و بآئین
که تنها
سرپناهی بود و
کلیدی و
بس.

کجا شد آن نعم بی اسباب و خواسته؟

کی گذشت و کجا
آن وقعه ناباور
که ناپاره ما بردگان گردنکش را
نانخورشی نبود

چرا که لثامت هر وعده گنج

بی نیازی هفته ای بود

که گاه به مای می کشید و
گاه

کلیشه این صفحه، هم گواهی از مشکلات روزمره مردم و هم نشاندهنده اختلافات و بانداها، های حکومتیان در دستگاه های اداری است. ←

جلوه ای از سبعیت

روزنامه کیهان در شماره ۲۷ بهمن خود خبر، داده است که بازتابگر جلوه دیگری از روح درنده خویی و سبعیت حاکم بر قوانین جزایی اسلامی و عملکرد دستگاه قضایی رژیم آخوندی است. به گزارش این روزنامه، شوجوانی در سن چهارده سالگی مرتکب قتل شد. او را به "کانون اصلاح و تربیت" (وئندان افراد صغیر) فرستادند و چهار سال در آنجا ماند. آنگاه این جوان "باکسب" س قانونی در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. در این مورد مشخص، خانواده مقتول رضایت می دهند و جوان مزبور "قصاص" نمی شود.

چند روز قبل که بصورتی گریزناک در خیابان صفا، به محفل رسیدیم به دم در معازنه که هنوز صاحبش تشریف نیاورده بود، وقتی که سر صف رسیدیم، دیدیم دو سطل شکسته و سه ریشه نع به رنگهای آبی، قرمز و زرد به شبکه های کرکره معازنه بسته شده. یک نفر هم بدو خدا که هجی با خودش نیاورده بود، دست کرده بود طرف دیوار و یک تکه گچ از دیوار کنده و روی سگویی معازنه، شکل یک آدم کشیده و زیر آن نوشته بود: (دوست محفوظه!) و استفاده هر کسی غیر از صاحب نرسیم. کشته، غیره جار و شیر نحول نخواهد شد! ظاهراً با این تفاسیر، بنده مقام ششم را در صف شیراز آن خود می دانستم. بعد از شنیدن آقای منتجم زاده که یکی از کارکنان وزارت آموزش و پرورش و آدمی بسیار باصفا و صمیمی است قرار گرفت.

و هنوز سوالی برسی و چاقی سلامتی ما تمام نشده بود که سروکله آهیرا پیدا شد. آهیرا با دیدن آقای منتجم زاده در صف شیر، لعل از گش شکست و با صدای بلند گفت: سلام علیکم، جناب آقای منتجم زاده، به به، صفا آوردی، چند روزی پدات نبرد، خوب بگویم چطور شد امروز تو این ساعت، سروکله ات در صف شیر پیدا شده لاله، بگویم آفتاب امروز از کدام طرف درآمده؟ کارمند وزارت آموزش و پرورش و این ساعت صف شیر؟! آقای منتجم زاده گفت: آهیرا امروز تعطیل، آهیرا با شنیدن این حرف، یکه خورد و ادامه داد: بابا چون دوروز قبل برف و یخبندان بود، یک روز برف اومد همه مدارش تعطیل شد، روز بعد یخبندان شد، آفاد گی و دستانها نمطیل شد، امروز که آفتابه، دیگ شمای کارمند چرا نمطیل شهید؟ آقای منتجم زاده گفت: آهیرا ما مدرسه نیسیم، نو خود و زانخانه شهید. آهیرا گفت: دیگ چه بهیر، و زانخانه نو این روز آفتابی چرا نمطیل؟ اصلاً چه معنی داری؟ نه روز شهادت، نه روز ولادت؟ آقای منتجم زاده گفتی زیاد داشت ولی نی سوانس و جانی هم نبود که در صف شیر بعضی چیزها را بگوید لذا بواسی و بطور خلاصه در جواب گفت: آهیرا! عزیز امروز و زانخانه شهید است، به همین علت نمطیل است!! آهیرا دست بردار نکرد، گفت: ناچارون

چه جله ای، چه سیماری که شما ها را نمطیل کردند، مگر رسیدند شما زبردست و پائون له بشید؟

آقای منتجم زاده گفت: خیر آهیرا نقد و بررسی است. آهیرا گفت: آره جونم همه چیز شده و هیچ جا نیسه نیست، همین کریم آقا بفال خودمان هم تمام معاملاش شده نقدی و همه اش نقد معامله می کند پس با این وصف و زانخانه شما هم امروز نقدی اینکار را با شما کرده. آقای منتجم زاده گفت: آهیرا این نقد با نقد و نیسه فرق داره، این نقد یعنی بررسی و نظردهی، آهیرا گفت: خوب پس شما که کارمند آنجا بودی و فردا می خواهی این تصصیات را اجرا کنی و به عنوان یک فرهنگی دستورن نوی کار است، نباید نظر بندیده؟؟

آقای منتجم زاده دیگر با یک حوصله اش داشت سر می رفت ولی خودش کنترل کیر و جواب داد: جناب آهیرا این بزرگوار، برینت و دوختن که دست خودتون بود، خوب دیگه چه می نود کرد وقتی که بعضی ها اعتقادشان بر این است که نظردهی و بیان عقیده مثل یک باو چای است که می خواهند به جای دیگر حوصله بیه کنند. سرط اول آن است که باید حتماً حورنگ باشد و اگر احتمالاً پارچه خطی باشد باید حشش هم با آن تطبیق کند و الا به عنوان وصله ناچار.

حق اظهار نظر و حضور در اینگونه جلسات و سیمارها هم ندارد. آهیرا با شنیدن این جمله ابروها را درهم کشید و گفت: ای - نظر و عقیده هم مگه مینه مثل تکه پارچه باشد که هم باید حورنگ و هم باید محطط باشد؟ اینو دیگه من نشنیده بودم! از قدیم ضرب المثلی بود که می گفتند: دوست دارم، کولت می گیرم که روو نیسم، حالا شده کار و زانخانه شما!

نوی همین جروبخت بود که آقا به از راه رسید و گفت: آهیرا خیابان بعدی کالیاس به قیمت تعاونی بوزع می کنند، صفش هم جلی خلوت، با شنیدن این حرف رویک بود خدا حافظی هم بایش برود. در حالی که به نفر بعدی می گفت نوبت مونگه دار تا برگردم، صف سر را جهت حضور در صف کالیاس یک کرد و گفتش و سید بهار و در اسعد، دیمه تمام گذشت.

رسالت
یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۶
شماره ۱۱۸

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!

باید هرود" همبستی خود را با رژیم فداثیان اعلام داشتند.

هامبورگ

روز ۱۵ اسفند، فداثیان خلق در هامبورگ با برپایی یک آکسیون اعتراضی شهروندان آلمانی را به حمایت موثر از بیکار مردم ایران و پیشاهنگان در راه برقراری صلح میان ایران و عراق دعوت کردند. پترشوت نویسنده مترقی آلمانی با شرکت در این تظاهرات حمایت خود را از مبارزه فداثیان و سایر نیروهای مترقی و انقلابی ایران برای اجرای قذلقنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل اعلام داشت. خبر این اقدام فداچنگ در روزنامه های آلمانی تاتس و اوتست درج شد.

کلن در روزهای ۱۵، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اسفند ورودیه بازار مرکزی شهر کلن شاهد فعالیت گسترده تبلیغی فداثیان خلق در مبارزه برای صلح و علیه چنگ و موتک باران قضایکارانه شهرهای ایران و عراق بود. این اقدامات صلح جواهانه که بصورت قشایی ایستاده از طریق حمل پلاکارد، پخش هزاران اعلامیه و برپایی قشایگاه عکس ضدچنگ و فیض گفتگو با عابریین تهلور یافت با حمایت بسیاری از شهروندان آلمانی از مبارزات مردم ایران علیه جنایات و تبهکاری های رژیم خمینی مواجه گردیدند. برخی از عابریین با بیان "خمینی



کمک های مالی رسیده

رفیق م - جهت کمک به نبرکزار،	۲۰۰۰۰ ت.کرون
چشم های سازمان از سوئد	۲۸۲ ت.کرون
غزل از کینهاک - دانمارک	
"آر"، وایلی، دو کودک از دانمارک	
برای کمک به زندانیان سیاسی	۲۰۰ ت.کرون
کمک جمعی از پاریس - فرانسه	۵۵۸ فرانک
"س" از آستین تکراس - آمریکا	۴۰ دلار
شرکت کنندگان در جشن مقدسین	
سالترد پتیانکلاری سازمان - از	
لوس آنجلس آمریکا	۱۵ دلار
هدیه تولد آزاده از لوس آنجلس	
آمریکا	۵ دلار
برای پیروزی، از لوس آنجلس	
آمریکا	۵۵ دلار
م - ۱۷۲ از اس - آلمان فدرال	۲۰۰ مارک
به سازمان زحمتکشان ایران از آلمان	
فدرال	۱۰۰ مارک
به یاد تاپان از آلمان فدرال	۱۰۰ مارک
م برای کمک به جشن سازمان از	
وویرتال - آلمان فدرال	۱۰۰ مارک
تولد تاپان از آلمان فدرال	۶۰ مارک
برای کمک به خانواده زندانیان	
سیاسی از دورتموند - آلمان فدرال	۲۲۵ مارک
نیما از برمن - آلمان فدرال	۱۰۰ مارک
برای کمک به خانواده وئندان	
سیاسی از امارات متحده عربی	۱۲ دلار

حساب بانکی

AUSTRIA WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی

فداثیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید

ادامه مذاکرات زنود در باره افغانستان

به عربستان سعودی)، حزب اسلامی (۲) به رهبری یوش خالص و جمعیت اسلامی به رهبری برهان الدین ربانی که به "میان روی" مشهور شده است.

سه حزب دیگر (دار و دسته مجددی، "جبهه ملی اسلامی" به رهبری گیلانی و "حکمت" به سرکردگی نبی محمدی) ایجاد یک رژیم سلطنتی مشروطه را هدف قرار داده اند و خواهان بازگشت ظاهر شاه به افغانستانند.

این سه حزب سفتی توسط روسای قبايل و آخوندهای مرتبط با فئودال های اشرافی رهبری می شوند و بیشتر به جمعیت و محفل می مانند تا به حزب. اما طرفداران برقراری حکومت اسلامی در احزاب مستقیم تری تشکیل یافته اند. حزب اسلامی حکمت یار به لحاظ ایدئولوژیک کمابیش یکپارچه و شدیداً متمرکز است و می خواهد جمهوری های آسیایی شوروی، را هم "آزاد" کند!

حکمت یار که مانند همه روسای دیگر ضدانقلاب بخش بزرگی از درآمد خود را از طریق خرید و فروش و تولید مواد مخدر به دست می آورد، از ۲۰ سال پیش با سازمان سیا آمریکا ارتباط داشته است. وی در آن زمان رهبر "اخوان المسلمین" افغانستان بود و شخصاً در اقدامات تروریستی شرکت می کرد. حکمت یار در سال ۱۳۴۹ به جرم قتل یک دانشجو دستگیر شد، اما تحت فشار سفارت آمریکا آزاد گردید. وی پس از پیروزی انقلاب به پاکستان گریخت و از سال ۱۳۵۷ به رهبر حزب اسلامی است.

در مناطق تحت کنترل حزب اسلامی، هیچ حزب دیگری حق فعالیت ندارد. اطرافیان حکمت یار در این مناطق از روسای سفتی قبايل خانه یی کرده اند. حکمت یار مخالف سرسخت بازگشت ظاهر شاه است و از سوی دیگر با هر کوفه سازش با دولت افغانستان شیدا مخالفت می ورزد. رقبای حکمت یار در ائتلاف مفت گانه می گویند حزب اسلامی همراه با پلیس پاکستان کنترل اردوهای آوارگان را در دست دارد و حتی در خاک پاکستان زندان هایی ایجاد کرده است که در آن اعدام هم صورت می گیرد.

شعارهای فدائریکایی حکمت یار باعث آن نشده است که آمریکا از گروه او حمایت نکند. حتی به فرشته مطبوعات غربی، بخش اعظم کمک های آمریکا به دست دارو دسته حکمت یار می رسد. حزب اسلامی نخستین گروهی بود که در سال گذشته موشک های ضد هوایی استینگر را دریافت داشت.

نیروهای دولتی پیوسته اند و ۶ هزار تن از شخصیت های ایوژیسیون در کمیسیون های مصالحه ملی فعالیت می کنند.

پیشبرد روند مصالحه ملی، اردوی ضدانقلاب را دچار بیم و نگرانی کرده است. اختلافات در صفوف ائتلاف مفت گانه پیشاور بالا گرفته اند. به گزارش مطبوعات غربی، تغییرات اخیر در رهبری ائتلاف بازناتاب این اختلافات است. در اواسط اسفندماه، صبغت الله مجددی از سمت خود به عنوان رهبر "جبهه رهایی بخش ملی افغانستان" و عضو شورای ائتلاف هفت گانه کناره گرفت. مجددی تا پیش از اشغال ۲ هزار هکتار زمین داشت و نماینده اشراف فئودال - کالریکال (روحانی) است. مجددی علت کناره گیری خود را پشتیبانی پاکستان از بغیادگران ایان اسلامی اعلام کرده است. بغیادگران ایان اسلامی توانستند "احمد شاه"، کاندیدای خود را به کرسی ریاست به اصلاح دولت در تبعید بکشانند. پس مجددی تنها توانست مقام "معاون رئیس دولت" را به دست آورد.



مجددی رهبر سلطنت طلبان

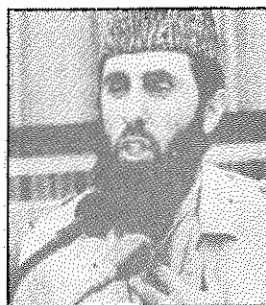
یوش خالص، که قبلاً سخنگوی ائتلاف مفت گانه بود، ظاهر را "به علت وضع سلامتی خود" کناره گرفت. ناظران اظهار داشتند علت واقعی کناره گیری، این آخوند، عدم موفقیت او در کشش بر سر اعزام یا عدم اعزام نماینده به مذاکرات زنود بوده است. برنده این کشش ها، گلبدین حکمت یار بود که به سمت سخنگوی ائتلاف (مهمترین سمت) برگزیده شد.

این تحولات نشانگر دست بالا گرفتن افراطیون اسلامی است که برپا کردن رژیم، مافوق رژیم خمینی را هدف قرار داده اند. چهار حزب از هفت حزب ائتلاف پیشاور این سیاست را دنبال می کنند. حزب اسلامی به رهبری حکمت یار، اتحاد اسلامی به رهبری احمد شاه (بغیادگران متعایل

افتاد، رد کرد. وی گفت البته اوضاع در کشور دشوار است و پس از خروج نیروهای شوروی نیز دشوار خواهد بود، اما "حمام خون" به راه نخواهد افتاد. کابینانی افزود تاکنون نیروهای شوروی، از ۱۲ استان افغانستان خارج شده اند و هیچ اتفاقی نیفتاده است (افغانستان ۲۹ استان دارد).

نجم الدین کابینانی در مصاحبه با "وارهایت" اظهار داشته است در مناطق شمال افغانستان اوضاع بسیار بهبود یافته و در مناطق کومستانی مرکز کشور آتش بی برقرار است. به گفته کابینانی، ارباع در مناطق همچوار پاکستان بسیار دشوار است و این امر به دخالت خارجی بازمی گردد. گاه روزانه ۱۰۰ موشک به این مناطق اصابت می کند. این موشک ها که از خاک پاکستان شلیک می شوند و ۲۰ کیلومتر برد دارند، اغلب ساخت آمریکا هستند.

کابینانی در مورد سیاست مصالحه ملی گفت این سیاست مرحله مهم از انقلاب افغانستان است که مورد حمایت اقشار گسترده مردم قرار دارد. علاوه بر حزب دمکراتیک خلق افغانستان هم اکنون چهار حزب دیگر اجازه فعالیت یافته اند. این احزاب، نیروهای خرد بورژوازی، اقشار روشنفکری، دهقانان و روحانیت را نمایندگی می کنند. در کنار این نظام چند حزبی، در اقتصاد نیز اشکال مختلف مالکیت وجود دارد. واحدهای دولتی حدود ۲۵ درصد تولید صنعتی را در



حکمت یار، سرکرده حزب الهی های افغانستان

برمی گیرند. واحدهای خصوصی و مختللاً به فعالیت خود ادامه می دهند و پیشه وران و صنعت کاران در اقتصاد کشور نقش مهمی برعهده دارند تاکنون ۱۲۰ هزار مهاجر به کشور بازگشته اند. ۴۰ هزار مخالف مسلح به

در روز پنجشنبه چهارم فروردین (۲۴ مارس) بار دیگر وزرای خارجه افغانستان و پاکستان مذاکرات غیرمستقیم خود را در زنود به میانجیگری دیه کوکوردوز نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد از سر گرفتند. به گفته یکی از مقامات دولت آمریکا، پاکستان دیگر اصراری بر روی کار آمدن یک دولت موقت در افغانستان پیش از آغاز بازگشت سه میلیون مهاجر افغانی به کشورشان ندارد. اما آنچه هم اکنون مورد اختلاف آمریکا و پاکستان از یک سو و اتحاد شوروی و افغانستان از سوی دیگر است، بافشاری واشنگتن و اسلام آباد بر شرط عدم دریافت کمک نظامی افغانستان از اتحاد شوروی، پس از خروج نیروهای شوروی است. به گزارش خبرگزاری ها، مذاکرات ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه شوروی در واخنتی در هفته گذشته در این زمینه نتیجه ای نداشت. دیه کوکوردوز نماینده سازمان ملل متحد در مذاکرات زنود و اتحاد شوروی و آمریکا شواسته است شاید کان عالی رتبه ای برای شرکت در گفتگوها به زنود بفرستند.

نجم الدین کابینانی، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در مصاحبه ای با روزنامه "وارهایت" ارگان حزب سوسیالیست متحد برلن غربی توضیحاتی پیرامون اوضاع جاری در کشور و مذاکرات زنود داد. وی گفت چهارسده در دستور کار مذاکرات زنود قرار دارد که موضوعات آن به ترتیب عبارتند از: عدم دخالت، تضمین های بین المللی، بازگشت مهاجران افغانی از پاکستان و برنامه زمانی فراخواندن نیروهای شوروی. درباره سست نخست اتفاق نظر حاصل شده است. در مورد زمان بندی خروج نیروهای شوروی نیز موضع سازنده اتحاد شوروی و افغانستان به توافق پیچیده امون فروچ نیکی از این نیروها در سه ماه نشست و خروج نیم دیگر در شش ماه بعدی زمان مقرر شده انجامید. کابینانی در این مصاحبه به پیش شرط های جدید پاکستان برای ماندن ترانسی بر سر راه توافق در زنود اشاره کرده است.

عضو رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان تبلیغات مطبوعات غرب را که پیش گویی می کنند پس از خروج نیروهای شوروی، در افغانستان "حمام خون" به راه خواهد

ریگان در پایان ماه مه به مسکو خواهد رفت

در گفتگوهای شواردناده با ریگان و شولتز، وزیر خارجه آمریکا، علاوه بر مذاکرات مربوط به طرح قرارداد "استارت" (قرارداد کاهش سلاح های استراتژیک)، بحران های منطقه ای، به ویژه اوضاع افغانستان مورد بحث قرار گرفت. سخنگویان طرفین خاطرنشان کردند این گفتگوها به نتایج مشخصی نرسیده است و دو کشور کماکان مواضع متفاوتی در برخورد به بحران های منطقه ای دارند.

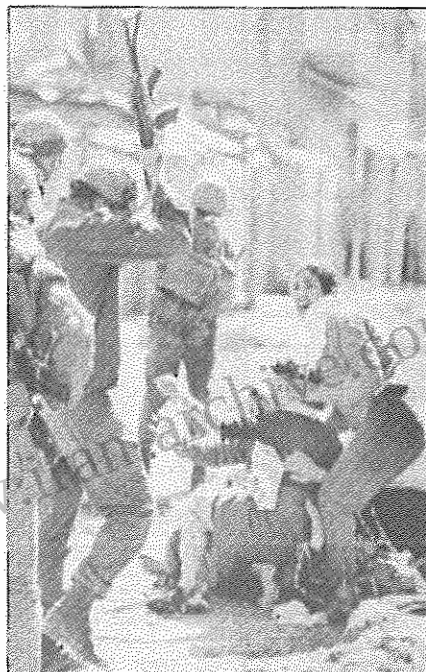
در پایان سفر هفته گذشته ادوارد شواردناده و وزیر خارجه شوروی به واشنگتن، اعلام شد ریگان رئیس جمهور آمریکا از ۲۹ ماه مه تا دوم ژوئن امسال از مسکو دیدار خواهد کرد. ریگان در روز چهارشنبه ۲۲ مارس در گفتگو با خبرنگاران گفت هنوز معلوم نیست که طی سفر وی به مسکو قرارداد درباره کاهش ۵۰ درصدی زرادخانه های استراتژیک دو کشور به امضا رسد. وی افزود موضوعات زیادی برای مذاکرات رهبران دو کشور وجود دارد.

آتش پس ۶۰ روزه در نیکاراگوئه

در روز پنجمشبه ۲۴ مارس مذاکراتی که در شهر کوچک ساپوئا در منطقه مرزی نیکاراگوئه و کستار بین میان دولت نیکاراگوئه و شورشیان مورد حمایت آمریکا (کنتررا) جریان داشت به نخستین نتیجه مشخص رسید. طرفین پای قرارداد را امضا کردند که آنها را متعهد به رعایت آتش پس ۶۰ روزه می کند. این آتش پس از روز اول آوریل سال جاری، به مورداجر ۱ گذاشته خواهد شد. قرارداد ۹ ماده ای میان دو طرف پیش بینی می کند مذاکرات پس از برقراری آتش پس نیز به منظور دستیابی به صلح پایدار ادامه خواهد یافت. ترتیب پیشنهادی دولت نیکاراگوئه در پیشبرد روند صلح از این قرار است: برقراری آتش پس، به زمین گذاشتن سلاح ها توسط ضد انقلابیون، بازگشت مهاجرین و شرکت موثر آنها در زندگی سیاسی کشور.

اتفاق قرارداد آتش پس در ساپوئا شکستی برای دولت ریگان محسوب می شود. دولت آمریکا در آستانه آغاز مذاکرات آتش پس ۲ هزار سرباز به هندوراس فرستاد. بهانه واشنگتن برای این اقدام تریک آمیز و ادعایی بی پایه و اساس است. نیکاراگوئه به خاک هندوراس در تعقیب ضد انقلابیون درخواست کمک دولت هندوراس بود. اما غیرممکن تلاش های آمریکا، مذاکرات ساپوئا به نتیجه رسید. در روز چهارشنبه ۲۲ مارس یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد در تاریخ ۲۸ مارس ۲ هزار سرباز آمریکایی از هندوراس فراخوانده خواهند شد.

حمله هوایی اسرائیل به لبنان



صحنه دیگری از وحشیگری صهیونیست ها در مقابله با مردم فلسطین

اسرائیل طرف دو هفته گذشته دوبار به لبنان حمله هوایی کرد. صبح روز پنجمشبه ۱۷ مارس هواپیماهای اسرائیلی به روستایی در کوه های شوف واقع در نزدیکی بیروت حمله کردند. این حمله یک کشته به جا گذاشت. در روز چهارشنبه ۲۲ مارس نیز نیروی هوایی اسرائیل به منطقه ای در شرق صیدا یورش برد و با بمب و موشک ویرانی بسیاری به جا گذاشت. این حمله به کشته شدن ۲ تن انجامید.

رابین وزیر دفاع اسرائیل در یک کمیته پارلمان اسرائیل اعلام داشت از این پس غیرنظامیان اسرائیلی اجازه خواهند داشت به روی مردم عرب مناطق اشغالی آتش بکشند. این تصمیم به فاشیست های ساکن شهرهای یهودیه، نشین امکان هر نوع جنایتی را می دهد.

مقابله فلسطینی در مناطق اشغالی اعلام کردند از هنگام آغاز درجید مبارزات مردم کرانه غربی رود اردن و شوار غزه، ۱۵ هزار نفر توسط نیروهای امنیتی اسرائیل بازداشت شده اند. این متاعب افزودند در روزهای اخیر بازداشت های جمعی جدیدی در چند شهر صورت گرفته است.

برای نخستین بار پس از آغاز مبارزات اخیر خلق فلسطین در هشتم دسامبر ۱۹۸۷، یک سرباز اسرائیلی به ضرب گلوله کشته شد. قتل این سرباز هفته گذشته در بیت اللحم به وقوع پیوست.

اخبار کوتاه

* بحران در پاناما و دخالت آمریکا در امور داخلی این کشور ادامه دارد. آمریکا پرداخت عوارض کانال پاناما را که طبق قرارداد های میان دو کشور به پاناما تعلق دارد، اما تا افتتال مسئولیت اداره کانال به دولت پاناما توسط دولت آمریکا اخذ شده و سپس به پاناما پرداخت می شود، قضا کرده است. این امر، پاناما را دچار بحران مالی و اقتصادی کرده است.

* حزب فاشیستی "آرنا" به رهبری روبرتو دالوس در انتخابات پارلمان و شهرداری های السوادور، حزب دمکرات مسیحی ناپلئون دوارته رئیس جمهور را شکست داد. حزب "آرنا" اکثریت مطلق کرسی های پارلمان و مقام شهردار سان السوادور را به دست آورد. اپوزیسیون السوادور شرکت در انتخابات را تحریم کرده بود * دادستان کل ترکیه در کیفرخواست تقلیمی علیه حیدر کوتلو و نهیات سارگین رهبران حزب متحد کمونیست های ترکیه تقاضای ۵۰۲ سال زندان برای کوتلو و ۴۹۵ سال زندان برای سارگین کرد. در این کیفرخواست برای وکلای مدافع کوتلو و سارگین تقاضای زندان شده است. کوتلو و سارگین از طریق وکیل مدافع خود اعلام کردند این کیفرخواست را جدی نمی گیرند، چرا که بازتاب دهنده نظرات سیاسی شخص دادستان است و ارتش حقوقی ندارد.

* مقام موقت نخست وزیر ویتنام در سن ۷۵ سالگی در هاشوی درگذشت. وی از ده سال پیش عضو رهبری حزب کمونیست در ویتنام بود.

تصمیمات رهبری دولت شوروی درباره اوضاع ارمنستان و آذربایجان

کارهای جاری در میان مردم در جهت گسترش دوستی خلق ما را بهبود اساسی بخشند، ریشه های و خاست اوضاع در روابط ملیت ها را تحلیل کنند و فعالانه با همه مظاهر فاسیونالیسم و افراطی گری به مقابله بپردازند. از هیئت های رئیس شورای عالی ارمنستان و آذربایجان خواسته شده است تدابیر هماهنگی برای تحکیم قانونیت سوسیالیستی، حفظ منافعه مشروع شهروندان از هر ملیتی و مجازات شدید عاملان بی ثباتی اوضاع به مورد اجرا بگذارند. همچنین شورا، وزیران اتحاد شوروی، فراخوانده شده است تا اقداماتی برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه خود مختار قره باغ تدوین کنند.

مصوبه هیئت رئیس، خاطرنشان می کند که دادستانی و وزارت کشور اتحاد شوروی باید نظم عمومی و حفاظت از منافع مشروع مردم آذربایجان را تامین کنند.

هیئت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی در روز چهارشنبه ۲۲ مارس اوضاع جمهوری های شوروی ارمنستان و آذربایجان را مورد بررسی قرار داد و تصمیماتی اتخاذ کرد.

در مصوبه هیئت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی آمده است موقعیت ایجاد شده در دو جمهوری در ارتباط با رویدادهای قره باغ نه تنها به این دو خلق، بلکه به همه خلق های شوروی به مثابه یک کشور واحد و متحد لطمه می زند. مصوبه، کوشش هایی را که برای حل مسائل ملی - ارضی از طریق اعمال فشار به قدرت دولتی و به کمک گروه های مستقل در فضایی از احساسات به عمل می آید، محکوم می کند.

رهبری دولت شوروی از پارلمان های آذربایجان و ارمنستان خواسته است بر پایه مصوبات کنگره ۲۷ ح. ک. ا. ش. و فراخوان دبیر کل حزب،

علیه جنگ شهرها، برای استقرار صلح اعتصاب غذا در فرانکفورت



تموفیت آلمان، هیات رئیس اتحادیه ضدفاشیست‌ها، آلمان، اتحادیه دانشجویان مارکسیست (ام-اس-ب)، اتحادیه سوسیالیستی مدارس عالی (اس-هاب)، سبها-کمیت شمال (هس) - آلمان فدرال، حزب سوسیال دمکرات آلمان - هس، جوانان کارگر سوسیالیست آلمان - هس، سازمان‌های کارگری کارگران ترک، یونانی، پرتغالی و اسپانیایی در آلمان فدرال، هیات اجرایی اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان بقیه در صفحه ۷

از روز اول فروردین (۲۱ مارس) فدائیان خلق در شهر فرانکفورت آلمان فدرال با تشکیل یک کمیته اعتصاب غذا علیه جنگ شهرها، برای اجرای آتش‌بس و استقرار بیدرتک صلح میان ایران و عراق دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

اعتصاب که تا لحظه تنظیم این گزارش ادامه یافته، با حمایت پرشور احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های صلح‌دوست و ترقی‌خواه آلمانی و خارجی روبرو شده است که حزب

در این شماره

- **تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج از کشور**
علیه موشک باران شهرها، علیه جنگ
در صفحه ۸
- **فرا تر از جنایت: بمباران شیمیایی حلبچه**
در صفحه ۲
- **تولید سلاح‌های شیمیایی در ایران**
با کمک یک شرکت آلمانی
در صفحه ۲
- **زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**
در صفحه ۹
- **ادامه مذاکرات ژنودر باره افغانستان**
در صفحه ۱۴

AKSARIYAT
NO. 200
MONDAY, 28 MAR, 88

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

روزشمار خونریزی و جنایت

بیت المقدس ۲ زد.
- عراق اعلام کرد که بمباران حلبچه و در بغدادی‌خان در شمال عراق از سوی جمهوری اسلامی ۸ کشته و ۷۹ زخمی به جا نهاده است.
- جنگ شهرها اوج گرفت. ۶ موشک به سمت تهران و ۲ موشک به سمت بغداد پرتاب شد. عراق به ۶ شهر ایران حمله هوایی کرد.
- **شنبه ۲۵ اسفند (۱۵ مارس)**
- ۵ موشک دیگر به سوی تهران پرتاب شد.
- جمهوری اسلامی در ساعت ۲۲ حمله والفجر ۱۰ را با هدف به تصرف درآوردن حلبچه آغاز کرد.

- سفیر اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد اعلام کرد قطعنامه اتحاد شوروی که در آن از جمهوری اسلامی و عراق خواسته شده بود هر چه سریعتر به جنگ شهرها خاتمه دهند با بی‌توجهی آمریکا و برخی دیگر از اعضای شورای امنیت مواجه شده و به تصویب نرسیده است.
- **چهارشنبه ۲۶ اسفند (۱۶ مارس)**
- جمهوری اسلامی اعلام کرد شهرهای خرمال، حلبچه و دوجلیه را تصرف کرده است. رژیم از کشتن هزاران سرباز عراقی سخن گفت. شهر حلبچه در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی سلیمانیه مرکز استان سلیمانیه قرار دارد. در زمان صلح این شهر ۷۰۰۰ نفر جمعیت داشته است.

- ۵ موشک دیگر به سمت تهران پرتاب شد. بغداد هدف ۲ موشک جمهوری اسلامی قرار گرفت. علاوه بر این جمهوری اسلامی شهرهای کرکوک، فوسه، شیب، الاماره، اربیل و فکه را هدف بمباران هوایی و آتش توپخانه قرار داد.
- **پنج‌شنبه ۲۷ اسفند (۱۷ مارس)**
- در این روز فاش شد که عراق در شهرهای حلبچه و دوجلیه بمب شیمیایی به کار برده است. جمهوری اسلامی تعداد قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه را ۴۰۰ تا ۵۰۰ کشته و ۵۰۰ زخمی اعلام کرد. این ارقام در گزارش‌های اکثر خبرگزاری‌های بین‌المللی ثبت شده است.
- عراق به تصرف درآوردن حلبچه و خرمال را تأیید کرد و اعلام کرد این شهرها کاملاً تخلیه شده بوده‌اند.

بقیه در صفحه ۲

در هفته‌های اخیر جنگون جنگی دو رژیم شمیعی و صدام حسین به اوج رسیده است. روزی نیست که اینجا و آنجا از کشته پشته ساخته نشود و ویرانی به پا نیاید. چه در ناک است که این روزها دین با کلماتی عادی از پرتاب موشک سخن می‌رود، موشکی به سمت بغداد شلیک شد، موشکی در تهران فرود آمد، هر موشک ۱۰ کشته، ۲۰ کشته، ۱۰۰ کشته است. هر موشک ۱۰ خانه و یا ۵۰ خانه ویران شده است. هر موشک ده‌ها زندگی است. هر موشک ده‌ها مجلس عزاست. اما جنایت از حد گذشته است، دیگر به پرتاب ۱۰ موشک نیز باید یک جمله اختصاص دهیم و نیز به قتل عام ۵۰۰۰ نفری در حلبچه.

با این تذکر، تلاکری که از سردر است، روزشمار جنگ را در دو هفته اخیر از نظر می‌گذرانیم. روزشمار کامل نیست. خبرهای خبرگزاری‌ها گاه متناقضند و گاه خبرهایی در لاپلائی انبوه رویدادها کم می‌شوند.

یکشنبه ۲۲ اسفند (۱۳ مارس)

- عراق اعلام کرد که در دور جدید جنگ شهرها ۷۲۱ تن بمب و ۲۰۰ تن مواد منفجره بر روی ۲۷ شهر ایران فروریخته است.

- جنگ شفت کش‌ها بالا گرفت. جمهوری اسلامی سکوی نفتی الامیه را بمباران کرد و عراق علاوه بر حمله به "یک هدف بزرگ دریایی" (اصلاح ویژه عراق در هنگام حمله به نفت کشها) تلمبه‌خانه امام حسن را، مورد حمله هوایی قرار داد.

- نیروهای جمهوری اسلامی در ساعت ۲ با مداد حمله تازه‌ای را در جبهه شمالی آغاز کردند که عنوان آن تلفر ۷ بود. هدف این حمله ویر ضرب بریدن شهر خرمال بود. عراق اعلام کرد این حمله را پس زده و چند هزار سرباز ایرانی را کشته است.

- عراق در ساعت ۱۰ شب دوشنبه یک موشک به سمت تهران پرتاب کرد. عراق اعلام کرد پرتاب این موشک اقدام تلاقی جویانه‌ای علیه حمله زمینی جمهوری اسلامی بوده است. جنگ شهرها مجدداً از سر گرفته شد.

دوشنبه ۲۴ اسفند (۱۴ مارس)

- جمهوری اسلامی دست به حمله زمینی دیگر در جبهه شمالی با عنوان

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!